

چکیده

در جهان امروز هیچ کشوری نمی‌تواند از پیشرفت برخوردار باشد مگر اینکه از نظام بانکی مالی روزآمد و کارایی برخوردار باشد؛ زیرا که امروزه نقش بانک‌ها که قبلاً شامل واسطه‌گری مالی بود به بسیاری از زمینه‌ها از جمله تخصیص منابع و مدیریت ریسک بنگاه‌ها در نظام اقتصادی، انجام و تسهیل معاملات مالی پیچیده و ... گسترش یافته است بر همین اساس نیز پژوهشگر به ارزیابی تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر مدیریت ریسک بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش ترکیبی تحلیل پوششی داده‌ها و تخمین رگرسیون ۲SLS استفاده گردید تحقیق حاضر توصیفی و از نوع تحقیقات همبستگی و پس‌رویدادی است. تحقیق توصیفی، نوعی پژوهش بنیادی است و از روش استدلال و تحلیل بنیادی استفاده می‌کند و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد اطلاعات مربوط به ۱۱ بانک در دوره زمانی ۹ ساله از سالهای ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا ارتباط بین متغیرها برای آزمون فرضیه تحقیق بررسی شود. نتایج نشان دهنده این مسئله است که توانایی مدیریت قادر به تاثیر بر ریسکهای اعتباری و مدیریت ریسک‌های اعتباری، ریسک نقدینگی ریسک عملیاتی و ریسک ورشکستگی نمی‌باشد. متغیر روابط سیاسی با شاخصهای مطالبات مشکوک الوصول و مطالبات معوق ارتباط معنی‌داری وجود ندارد. مدیریت سیاسی و نفوذ دولتی بر ریسک نقدینگی تاثیر گذار است. روابط سیاسی بر ریسکهای عملیاتی اثرات معنی‌داری ندارد مدیریت سیاسی و نفوذ دولتی بر ریسک ورشکستگی تاثیر گذار است

کلید واژه:

تاثیر توانایی مدیریت، عملکرد، مدیریت ریسک، سقوط قیمت سهام

مقدمه

در جهان امروز هیچ کشوری نمی‌تواند از پیشرفت برخوردار باشد مگر اینکه از نظام بانکی مالی روزآمد و کارایی برخوردار باشد؛ زیرا که امروزه نقش بانک‌ها که قبلاً شامل واسطه‌گری مالی بود به بسیاری از زمینه‌ها از جمله تخصیص منابع و مدیریت ریسک بنگاه‌ها در نظام اقتصادی، انجام و تسهیل معاملات مالی پیچیده و ... گسترش یافته است بنابراین با توجه به نقش برجسته بانکها در اقتصاد کشور ارزیابی عملکرد آنها می‌تواند از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار باشد (ابرقویی، علوی راد و دانشمند شیرازی، ۱۳۹۲). عملیات بانکی ممکن است پیچیده و متنوع باشد، اما تعریف ساده و عملیاتی از بانک، عبارت است از موسسه‌ای که عملیات جاری آن، جذب سپرده از عموم و اعطای وام به متقاضیان است. بانک‌ها بخش قابل توجهی از وام‌های خود را از طریق سپرده‌های عمومی تامین مالی می‌کنند. این نحوه تامین مالی، دلیل اصلی آسیب‌پذیری بخش بانکداری و توجیهی برای وضع مقررات بر بانک-هاست (فریکزاس، چارلز روچت ۱۳۹۳). ارتباط صحیح بین نظام‌های مالی و تولیدی در هر کشور از مهمترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود، کشورهایی که الگوی کارآمدی در تخصیص سرمایه به بخش‌های مختلف اقتصادی دارند، اغلب از پیشرفت اقتصادی و در نتیجه رفاه اجتماعی بالاتری برخوردارند، تجهیز و تخصیص منابع سرمایه‌گذاری به فعالیت‌های اقتصادی از طریق بازار مالی انجام می‌پذیرد که بازار اعتبارات بانکی قسمتی از این بازار است (مهرآرا، مهران فر، ۱۳۹۲).

ارزیابی تاثیر توانایی مدیریت، روابط
سیاسی و بحرانهای مالی بر مدیریت
ریسک بانکهای پذیرفته شده در بورس
اوراق بهادار تهران

عبدالمجید کوزه گر کالجی

دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد

اسلامی واحد قائم شهر، ایران

majidkaleji@gmail.com

عباس پورآقاجان(نویسنده مسئول)

استادیار و عضو هیات علمی دانشکده

علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد قائم شهر، ایران

Abbas_acc46@yahoo.com

محمد عباسیان

استادیار و عضو هیات علمی دانشکده

علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد قائم شهر، ایران

mm.abbasian@yahoo.com

تاریخ ارسال: ۹۹/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰

نظامهای اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباط سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکتهای دارای این روابط است. شرکتهای دارای روابط سیاسی راحت تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطاتشان دست می یابند که باعث می شود کمتر به گزارشگری مالی با کیفیت بالا متکی باشند (چنی و دیگران، ۲۰۱۲؛ آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹). در کشور ایران نیز روابط سیاسی دارای ابعاد پرننگی است. سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکتهای دولتی بودن شرکتهای و صنایع بزرگ تاثیر گذار بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور یعنی اقتصاد دولتی می باشد.

نظامهای اقتصادی مبتنی بر روابط، بوسیله الزامات قانونی ضعیف و عدم شفافیت شناخته می شوند (زینگالس و راجان، ۲۰۰۸). اشخاص، در این نظام، برای محافظت از روابط خود در برابر رقابت سالم به درجه ای از ابهام نیاز دارند (آنینگ سجاتی، ۲۰۰۹). در چند دهه اخیر، نظامهای اقتصادی بعضی از کشورهای آسیای شرقی به رشد اقتصادی شگفت انگیزی رسیده اند. در سال ۱۹۹۳ بانک جهانی گزارشی با عنوان "معجزه آسیای شرقی" منتشر کرد. این گزارش معرف ۸ کشوری بود که طی سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۹۰ به رشد اقتصادی معجزه آسایی دست یافتند. این ۸ کشور ژاپن، هنگ کنگ، سنگاپور، کره جنوبی، تایوان، اندونزی، تایلند و مالزی می باشند. نظامهای اقتصادی برخی از این کشورها بطور کامل مبتنی بر روابط هستند. مثلاً نظام اقتصادی کره جنوبی تحت تسلط تعداد معدودی از صنایع بزرگ قرار دارد که به کابلزها معروفند. کابلزها مجموعه ای از شرکتهای عظیم صنعتی، به زعامت متنفذان سیاسی، تحت حمایت کامل دولت قرار دارند. این صنایع در یک شبکه نزدیک و بهم تنیده، متشکل از خود این صنایع و دولت بطور بسته تعامل دارند، کابلزها امتیازات ویژه ای مثل دریافت وامهایی با نرخ بهره پایین از بانکهای دولتی دارند. شرکتهای صنعتی مورد حمایت دولت (کابلزها) رشد سریعی را نشان می دهند. رشد بالای کابلزها بدان دلیل است که آنها می توانند وجوه هنگفتی را با نرخ بهره پایین اعتبار گرفته و از این فرصت رانت گونه بهره مند گردند. فعالیتهای تجاری مشابهی در دیگر کشورهای آسیای شرقی نیز وجود دارند (چنی و دیگران، ۲۰۱۲). در مالزی مساعدت و طرفداری دولت از شرکتهایی که با صاحب منصبان کلیدی دولت رابطه نزدیک داشته اند، وجود دارد (آنینگ سجاتی ۲۰۰۹). به اعتقاد فیس من (۲۰۰۱) روابط سیاسی در مقایسه با پایه های اقتصادی شرکت، عامل اصلی تعیین کننده سودآوری شرکت در کشورهای آسیای شرقی و در حال توسعه است. او معتقد است که عایدات شرکت های دارای روابط سیاسی به طور گسترده تحت تأثیر تصمیمات دولتی قرار دارد، که علائق آنها را مورد توجه قرار می دهد (فیس من، ۲۰۰۱). در شرکتهای دارای روابط سیاسی دسترسی به منابع سرمایه بستگی زیادی به سود گزارش شده ندارد. زیرا روابط سیاسی منجر به دسترسی آسان به اعتبار و منابع سرمایه از بانکهای تحت تملک دولت می گردد (بوبرکی و دیگران، ۲۰۱۲، چین و جان، ۲۰۰۴، کال و زو، ۲۰۰۵، دینک، ۲۰۰۵، خاجا و میک، ۲۰۰۵).

عملکرد بنگاه ها در دوران بحرانهای مالی تنها به وسیله رشد اقتصادی و پایداری در کسب سود قابل توضیح نیست و عوامل و فاکتورهای موثر دیگری نیز وجود دارند. در دوران رونق اقتصادی مشکلات عمده شرکتهای منجر به استراتژیهای متفاوت، فرصتهای سرمایه گذاری گوناگون و حتی رویه های مدیریتی مختلف است. تاثیرگذاری بحرانهای مالی و یا دوره های رکود و رونق اقتصادی بر عملکرد بنگاه ها در قالب عوامل زیر قابل ردیابی و تأیید است:

اولاً، در دوران بحرانهای مالی هنگامی که احتمال وقوع کاهش غیر منتظره قیمت بازار سهام وجود دارد، ریسک وقوع دعاوی حقوقی افزایش می یابد، در نتیجه کاهش رشد اقتصادی باعث وقوع دعاوی حقوقی می گردد. یکی از راه های کاهش دعاوی حقوقی گزارشگری محافظه کارانه و ارائه عملکرد بهتر است به گونه ای که مدیران به علت رفتارهای فرصت طلبانه و اعمال مدیریت سود تحت پیگرد قانونی قرار نگیرند (واتز، ۱۹۹۳).

ثانیاً، تقاضا برای ثبات عملکرد در دوران بحرانهای مالی بخاطر عدم اطمینانهایی که در سرمایه گذاری وجود دارد، افزایش می یابد. با توجه به اینکه احتمال کسب ستانده های منفی در دوران رکود افزایش می یابد، سرمایه گذاران خواستار ایجاد ثبات در عملکرد و یا عدم کاهشهای فراوان در دوره های رکود هستند، البته تمایل سرمایه گذاران و مالکیت در دوران رونق تحت تاثیر عدم اطمینانهایی ناشی از



سرمایه گذاری بلعکس است و آنها خواستار عملکردهای با شیب صعودی بالا بوده که بتوانند در فرصت پیش آمده بیشترین ارزش را کسب نمایند.

ثالثاً، بانکها همواره خواستار تامین مالی داخلی نسبت تامین مالی خارجی هستند و هنگام تامین مالی خارجی خواستار جذب بیشتر منابع سپرده گذاران هستند (مایر، ۱۹۸۴). در دوران بحرانهای مالی با توجه به کاهش سودآوری بانکها، نرخهای سپرده کاهش می یابد و خروج منابع سپرده از بانکها نیز اتفاق می آفتد، از طرفی معمولاً در کشورهای توسعه نیافته رکود به همراه تورم حادث می شود و رکود تورمی مانعی دیگری برای سوق منابع به سمت بانکها می گردد، لذا بحرانهای مالی هم از طریق کاهش توانایی پرداخت بهره و هم از طریق ایجاد رکود تورمی منجر به خروج سپرده سپرده گذاران بانکی شده و تامین منابع بانکی را دچار مشکلات عدیده می نماید.

بانکها، مانند هر بنگاه اقتصادی به دنبال حداکثر نمودن سودآوری و منافع ذینفعان خویش هستند. به عبارت دیگر، با توجه به فشار فزاینده در بازار رقابتی و محدودیت منابع، بانکها تلاش می کنند که درآمدهای خود را حداکثر نموده و هزینه ها را تا جایی که ممکن است، حداقل نمایند. منبع درآمدهای بانک، عمدتاً تسهیلات و سرمایه گذاری ها هستند که در ترازنامه، ذیل عنوان داراییها قرار دارند و سرچشمه هزینه ها به طور عمده منابع سپرده های بانک هستند که در ترازنامه، زیر عنوان بدهی ها قرار می گیرند. البته این هدف حداکثر نمودن سود، همواره متأثر از ریسک های مختلفی است که بانکها با آن مواجه هستند. این ریسکها از طریق تأثیر روی هزینه و درآمد بانک، سودآوری بانک را متأثر نموده و حتی گاه موجودیت بانک را به خطر می اندازند (حسینی مقدم و حجازی، ۱۳۹۲).

عمده فعالیت های مؤسسه های واسطه گر مالی، نظیر بانک مربوط به جذب سپرده ها و تسهیلات اعتباری است. به بیان دیگر، مؤسسات واسطه گر مالی مانند بانک در بازار پول، فعالیتی دوگانه دارند. به نحوی که از یک سو تقاضا کننده منابع پولی سپرده گذاران و از سوی دیگر عرضه کننده منابع پولی به سرمایه گذاران هستند و از این طریق سود کسب می نمایند. بانکها در واقع در این قالب به دنبال دستیابی به استراتژی هستند که حداکثر سود را با حداقل ریسک امکان پذیر سازد در راستای اجرایی نمودن و کاربردی ساختن این مدل و به عنوان گام نخست، با در نظر گرفتن دو حالت حدی حداکثر نمودن سود و حداقل نمودن ریسک، استراتژی بهینه در زمینه ترکیب بهینه منابع-تسهیلات تعیین و انتخاب گردد. این امر با وزن دهی به درجه اهمیت اجزای منابع و تسهیلات بر مبنای تأثیر آنها بر حداکثر سودآوری و حداقل نمودن ریسک بانک صورت پذیرفت (وایدیانانان، ۱۹۹۹).

اهمیت توانایی مدیریت برای هدایت و راهبری بنگاه ها به گونه ای است که در تمامی بخشهای شرکتها تأثیر گذار می باشند. بهبود مدیریت منابع انسانی، استفاده صحیح از منابع افزایش کارایی در سطوح مختلف شرکتها همه تحت تواناییهای مدیریتی حاصل می آید و مدیران توانمند در تلاشند تا سود خود را افزایش دهند تا بتوانند نتیجه فعالیتها مرتبط با تواناییهای خود را به اطلاعات استفاده کنندگان از اطلاعات و سهامداران و سرمایه گذاران شرکتها برسانند. در واقع تحقیق حاضر هم از جهت ارزیابی تواناییهای مدیریت و هم از لحاظ اهمیت کیفیت سود شرکتها در بازارهای سرمایه حائز توجه و مهم می باشد.

اهمیت و ضرورت ارزیابی روابط سیاسی بر جنبه های مختلف عملکرد بانکها را می توان در عوامل زیر جویا شد:

اولاً بخشی قابل توجهی از مدیریت بانکهای فعال در بازار سرمایه چه بصورت مستقیم و چه بصورت غیر مستقیم تحت تأثیر مدیریت سیاسی بوده، زیرا دولت و نمایندگی های آن که از طریق موسسات و شرکت های وابسته به دولت قدرت خود را اعمال می کند، در بسیاری از بانکها نفوذ داشته و قادرند که فرایندهای عملیاتی و داخلی آنها و همچنین سیاست های کاری و رویه های حسابداری را تحت تأثیر قرار دهند بگونه ای که بتوانند عملکرد و سیاستهای بانکها را هدایت نمایند. این مسئله بخصوص در بانکهایی که بخشی از سهام آنها از طریق واگذاری شرکت های دولتی طبق اصل ۴۴ قانون اساسی، صورت پذیرفته است بیشتر قابل مشاهده است، زیرا مدیریت دولتی در این شرکتها که هنوز عملاً در دست دولت است تلاش می نماید که سیاستهای بانکها کماکان در اختیار دولت باقی بگذارد.

ثانیا روابط سیاسی تحت تأثیر وقایع و رویدادهای سیاسی می باشد به گونه ای که مدیران بانک ها بزرگ (همانند ملتف صادرات و تجارت) حتی با وجود اینکه مدیریت دولتی ندارند اما تحت تأثیر وقایع سیاسی، اقدام به نوعی مدیریت سیاسی می نمایند و اهداف، راهبردها و عملکردهای خود را با توجه به شرایط سیاسی تغییر می دهند، این مسئله منجر به تغییر در رویه های جاری و عملیاتی بنگاه شده و در نهایت می تواند بر تضاد منافع بین مدیران و مالکان و حتی تضاد منافع بین دولت و مالکان و یا تضاد منافع بین جامعه و مالکان تأثیرگذار باشد لذا وجود روابط سیاسی قادر به اثرگذاری استراتژیها، اهداف و شیوه مدیریت بانکهای فعال در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. بحرانهای مالی بخشی از واقعیت موجود در اقتصاد همه کشورها بوده، در این میان کشوری مانند ایران که با توجه به کشمکشهای مختلف سیاسی، تحت تأثیر عوامل مختلف گوناگونی نیز می باشد که بحران زا هستند. تحریمهای اعمال شده از طرف آمریکا و اتحادیه اروپا که عمدتاً بانکهای ایران را نشانه می گیرد از عمده ترین دلایل ایجاد بحران مالی و اقتصادی در دهه های گذشته بوده و این تحریمها و بحرانهایی که بدنبال دارند در اولین مرحله بر عملکرد بانکها و سودآوری آنها تأثیر مستقیمی می گذارد. بر همین اساس و با توجه به اهمیت و ضرورت بحرانهای مالی بوجود آمده از تحریمهای مستمر خارجیه اقتصاد و بخصوص صنعت بانکداری، ارزیابی این تأثیرگذاری طی یک پژوهش لازم است تا اثرات این بحرانهای مالی در تدوین برنامه ریزیهای مقابله با آنها، تدوین گردد.

با توجه به بیان ادبیات تئوریک مرتبط با تأثیرگذاری عوامل مختلف بر جنبه های عملکردی بانکها، باید عنوان نمود که شرایط ویژه صنعت بانکداری در ایران و تأثیرات عوامل مختلفی مانند وابستگی به دولت، ریسکهای سیاسی موجود، وضعیت کلان اقتصادی و همچنین روابط سیستم اقتصادی ایران با دنیای خارج (بخصوص ناشی از تحریمهای اقتصادی) باعث شده که جنبه های مختلف عملکرد بانکها تحت تأثیر این شاخصها قرار گیرند. بگونه ای که علاوه بر وضعیت سودآوری و توانایی در کسب درآمد، توانایی مدیریت ریسک بانکها نیز تا حدود زیادی متأثر از شرایط فوق الاشاره قرار گرفته اند. از طرفی نیز در سالیان اخیر تغییرات و نوسانات زیاد درآمدهای مشاع و غیر مشاع بانکها و سودآوری آنها منجر به نوسانات شدید و در نهایت سقوط قیمت برخی از بانکهای فعال در بورس گردیده که در ردیابی علت وقوع این واقعه، می توان ریسکهای سیاسی و بحرانهای مالی رو مطرح نمود. لذا با ارزیابی جنبه های مهم هدایتگرانه مدیریت بانکها می توان به ارزیابی تأثیر این جنبه ها بر ویژگیهای مختلفی عملکرد آنها نیز پرداخت تا در نهایت تبیین نوسانات وضعیت بانکداری را مورد مطالعه قرار دهیم. بر همین اساس مسئله اصلی تحقیق حاضر در سه محور مطرح می گردد:

آیا توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر مدیریت ریسک بانکها تأثیر گذار است؟

در ادامه این مقاله، به بررسی مبانی نظری و تدوین فرضیه ها، خواهیم پرداخت، در بخش سوم، به ارائه مدل و تعریف عملیاتی متغیرها، در بخش چهارم، به تجزیه و تحلیل داده ها و در آخر به بحث و نتیجه گیری پرداخته می شود.

۲. ادبیات تحقیق:

مطالعه در چگونگی به دست آوردن حداکثر ستانده از منابع محدود، ماهیت علم اقتصاد است و تخصیص بهینه منابع محدود هدف این علم به شمار می رود. کارایی نیز در ساده ترین بیان حداکثر ساختن ستانده با توجه به نهاده معین در مقیاس اقتصادی خرد و کلان است. که در نظام بانکداری از طریق مدیریت بهینه از دارایی ها و بدهی ها بدست می آید. از جمله مهمترین بنگاه های اقتصادی که بهبود کارایی آن منجر به بهبود کارایی و عملکرد اقتصاد می گردد، سیستم بانکداری می باشد. هرگونه اقدامی در جهت بهبود و ارتقا کارایی سیستم بانکداری، موجب خواهد شد که جریان پس انداز، سرمایه گذاری و تخصیص منابع، بهبود یابد و امکانات بالقوه، پراکنده و نهفته در کشور برای پیشرفت و رفاه عمومی به کار گرفته شود (بسیس، ۲۰۱۰).

در این بخش با تکیه بر نتایج بدست آمده از تحقیقات انجام شده، به رایج مهمترین عوامل موثر بر بهبود عملکرد بانک ها پرداخته خواهد شد که عبارتند از:



تجهیز منابع پولی در بانکداری نوین: تجهیز منابع پولی از همان ابتدا که بشر به زندگی اجتماعی روی آورد و داد و ستد و مبادله کالا را شروع کرد، آغاز شد و همواره اصلی ترین وظیفه سیستم بانکی بوده است. بدین ترتیب، بانک ها سپرده های مازاد در دسترس مردم را جمع آوری می کردند و با دادن وام به افراد نیازمند، وظیفه سنتی خود، یعنی واسطه گری را میان سپرده گذاران و وام گیرندگان ایفا می کردند.

فناوری اطلاعات و ارتباطات: در بخش بانکداری، نوآوری های جدید مانند پول الکترونیکی، پایانه های انتقال، دریافت و پرداخت اتوماتیک، بانکداری مجازی و بانکداری اینترنتی لحظه ای، تحول عظیمی را در این بخش ایجاد کرده اند و باعث ارتقای کارایی، بهره وری، سرعت در برقراری ارتباطات و کاهش هزینه های عملیاتی برای بانک ها شده اند.

مهارت های نیروی انسانی: در بانک ها و مؤسسات مالی، بیشتر خدمات توسط نیروی انسانی ارائه می شود و تجهیز منابع در سطح استانداردهای جهانی، مستلزم داشتن کارکنانی ماهر و آموزش دیده است.

تنوع خدمات بانکی: بانک ها برای ارائه خدمات نوین و محصولات جدید، نیاز به بازاریابی نوین علمی دارند. شناسایی مشتریان و نیازهای متنوع آن ها، با بازاریابی نوین امکان پذیر است. در بانکداری نوین، بانک ها برای شناسایی مشتریان و نیازهای آنها دست به بازاریابی تک به تک و بازاریابی براساس پایگاه داده ها می زنند.

سودآوری بانکها و بخصوص بانکهای دولتی که در اقتصادی ایران عمده ترین بخش صنعت بانکداری را در اختیار دارند، تحت تاثیر عوامل مختلف مالی و غیر مالی قرار می گیرد که تاثیر پذیری سودآوری بانکها از عوامل مالی بیشتر است. این عوامل می تواند شامل تنوع درآمد، کفایت سرمایه، ریسکهای بانک، سهم بانک از صنعت بانکداری و همچنین وضعیت کلان اقتصادی باشد. در واقع هر یک از عوامل مالی فوق از جنبه ای خاص بر عملکرد و در نتیجه سودآوری بانکهای دولتی تاثیر گذار است.

رویکردهای موثر بر عملکرد و سودآوری بانکها بصورت کلی شامل دو رویکرد مبتنی بر افزایش سود یا کاهش ریسک است. در رویکرد اول، فرض بر این است که بانک، انواع ریسک موجود را در تصمیم گیریهای خود در نظر نمی گیرد و تنها کسب حداکثر سود برای آن اهمیت دارد. در رویکرد دوم، عکس این حالت، بانک بدون توجه به سودآوری به دنبال به حداقل رساندن ریسک های مورد مواجهه خود می باشد. واضح است که هر دوی این حالات، حدی هستند. بانکها در فضای بازار رقابتی، یک راه حل میانه را دنبال می کنند (مقدم، ۱۳۹۲). ریسک به عنوان پدیده ای تعریف شده است که زیان بالفعل و مستقیم - از طریق کاهش جریان درآمدی و زیان سرمایه ای - بر موسسه وارد می کند. گروهی از اقتصاددانان تعریف وسیع تری از پدیده ریسک ارائه داده اند: آن ها بروز هرگونه پیشامد و واقعه ای را که به صورت بالقوه از طریق اعمال و ایجاد محدودیت بر ظرفیت و فعالیت های سازمان، امکان تحقق اهداف سازمان را متزلزل کند، ریسک تعریف کرده اند. در بازارهای پیچیده کنونی، تمامی صنایع با مخاطراتی مواجه هستند که در صورت عدم توجه به آن، با عواقب وخیمی مواجه خواهند شد. بانکها نیز به عنوان مؤسسات واسطه جوه، عهده دار جمع آوری مازاد نقدینگی جامعه و هدایت آن به صورت اعتبارات تخصیص یافته به واحدهای اقتصادی نیازمند نقدینگی هستند. یکی از عوامل مهم سلامت اقتصاد جامعه، کارکرد منظم و دقیق چرخه گردش پول بین بانک و مشتریان اعتباری است زیرا در صورت حبس منابع نزد مشتریان، چرخه گردش پول دچار نقصان شده و در عمل فاقد بازدهی مناسب خواهد شد. اگرچه برای بانکها ریسک عدم بازپرداخت تسهیلات توسط مشتری (ریسک اعتباری) یکی از مهم ترین مخاطرات محسوب می شود، لیکن مخاطرات و ریسکهای دیگری همانند ریسک عملیاتی، نقدینگی، بازار و... نیز بر روند فعالیت های بانک تاثیر عمده ای دارند (بسیس، ۲۰۱۰).

با توجه به رقابت بسیار شدید و روزافزون بانک ها و مؤسسات مالی و همچنین پر رنگ شدن سایر ریسکها، حیات بانکها با تردید جدی مواجه شده است و همانطور که در بحران اقتصادی اخیر مشاهده شد عدم توجه به ریسکهای عمده صنعت بانکداری و همچنین عدم اهتمام جدی به مدیریت ریسک جامع، باعث ورشکستگی تعداد بسیار زیادی از بانکهای کوچک و متوسط شد که به منزله هشدار جدی

است برای سایر فعالان این صنعت. به هر حال نقصان در سیستم گردش پول و اعطای اعتبارات، تمام فعالان اقتصادی را کم و بیش تحت تاثیر قرار داده و همانند امواج سهمگین لایه به لایه اقتصاد را با مشکل و معضلات جدی مواجه می‌سازد.

یکی از مهم ترین مباحث در صنعت بانکداری، مبحث کارایی و ریسک می باشد. هر جا که آینده ناشناخته باشد، ریسک وجود دارد. از این رو، کسانی می توانند آینده ای مطمئن را برای خود و سازمان خویش رقم بزنند که بتوانند با برنامه ریزی و تحلیل های صحیح، شناخت خود را افزایش دهند. لذا امروزه وقتی در مورد مدیریت ریسک صحبت می شود، هدف از بین بردن ریسک نیست، بلکه شناسایی و تعیین هزینه های ناشی از آن است. این در حالی است که مدیریت ریسک خود به تنهایی معنایی را در بر ندارد زیرا ریسک، متغیری است که می تواند بر دیگر شرایط بنگاه مانند سود، کارایی و ... تاثیر بگذارد. در این بخش به دنبال بررسی تاثیر انواع ریسک بر کارایی صنعت بانکداری ایران می باشیم. در این بخش برای برآورد تاثیر ریسک بر کارایی، برای هر ریسک، شاخص هایی را انتخاب می کنیم. به طور تقریبی هر فعالیتی که توسط بانک صورت می پذیرد، در بطن خود با ریسک هایی مواجه است. مدیریت ریسک در وهله اول مستلزم شناسایی ریسک های فعالیت بانکی می باشد. ریسک هایی که بانکها با آن مواجه می باشند، به طور عمده به چهار دسته کلی ریسکهای مالی، عملیاتی، تجاری و حوادث تقسیم می شوند (ون گرینین، ۲۰۰۰).

فشار ریسک ناشی از منابع مختلف ریسک می تواند بر یکی از جنبه های سیستم بانکداری اثرات منفی بگذارد. ریسک حوادث می تواند نرخ های بهره و سپرده گذاری را تحت تاثیر قرار داده و به منابع اصلی بانک که صرف وام دهی و کسب درآمد می شود، اثرات منفی داشته باشد. ریسک های تجاری می تواند از طریق ایجاد محدودیت های قانونی و سیاسی مانع انجام بانکداری نوین گردیده و انحصار را برای بانکهای دولتی بوجود آورد. ریسک های عملیاتی بر روند اجرای بانکداری و همچنین شیوه ارائه خدمات به مشتریان تاثیرگذار است و بر توانایی رقابتی بانک تاثیر بسزایی داشته باشد و در نهایت ریک های مالی که جزء مهمترین ریسک های بانک ها می باشد بر مدیریت اعتبارات، مدیریت نقدینگی و مدیریت بانکی تاثیر گذار است و بصورت مستقیم می تواند بر معوقات بانکی، هزینه های تامین منابع و وضعیت مالی بانکها تاثیر بگذارد.

مدیریت ریسک، لزوم تنوع درآمدها و همچنین دامنه گسترده خدمات مطابق با استانداردهای بانک جهانی را می طلبد تا بانکها همزمان با اتخاذ استراتژی خصوصی سازی، به امور سرمایه گذاری، بیمه گری و سایر فعالیتهای تخصصی بپردازد (رسول اف، ۱۳۹۱).
باثله و همکاران (۲۰۰۷) بررسی کردند که آیا بانکهای متنوع از لحاظ عملکرد بلند مدت نسبت به رقبای خود مزیت نسبی دارند که این تحقیق در بانکهای اروپایی در دوره زمانی ۱۹۸۹ لغایت ۲۰۰۴ انجام گرفت و نتایج بیانگر این بود که تنوع درآمدی ارزش شرکت را افزایش و ریسک غیر سیستماتیک را کاهش می دهند در این پژوهش ارزش شرکت با کیوتوبین مورد سنجش قرار داده شده است و نتایج نشان می دهد که نسبت هزینه به درآمد اثر منفی بر ارزش شرکت داشته و همچنین نسبت مالکیت و اندازه تأثیر بر ارزش نداشته است. ادسامی و ولف (۲۰۰۷) در مقاله خود در بیان تنوع درآمدی و ریسک ورشکستگی در بانکهای اقتصادهای نوظهور بیان کردند که فعالیتهای تنوع درآمد بهره ای و بدون بهره ریسک ورشکستگی را کاهش می دهد. مطالعات الساس و همکاران (۲۰۱۰) که در زمینه آاناتومی تنوع درآمد انجام گرفت نشان دادند که چگونه تنوع درآمدی با افزایش اندازه بانک بر ارزش بانک اثر می گذارد. یافته ها نشان داد که تنوع درآمدی، عملکرد بانک را افزایش می دهد و این با افزایش ارزش بازار همراه است.

برگر و همکاران (۲۰۱۰) بررسی کردند که آیا تنوع، ریسک و عملکرد بانکها را افزایش یا کاهش می دهد و نتایج بیانگر این بود که عملکرد بانکها به استراتژی تنوع آنها مربوط می شود، اثرات حاشیه ای بر روی شاخص تمرکز (عدم تنوع) بر روی عملکرد یک رابطه غیر خطی با سطح ریسک و مالکیت خارجی دارد. استراتژی تمرکز تا یک آستانه خاصی سود را افزایش و ریسک را کاهش می دهد و زمانی که مالکیت خارجی بسیار بالا یا بسیار پایین باشد بانکها به سود بیشتر از تنوع گرایش دارند.

ساوادا (۲۰۱۳) تأثیر تنوع درآمدی را بر ارزش بازار، عملکرد و ریسک بانکها در ژاپن بررسی کردند، نتایج نشان داد که نرخ بازده داری ها تأثیر معناداری بر عملکرد دارد ولی اندازه بانک و نسبت مالکیت تأثیر معناداری بر عملکرد بانک ندارند و نسبت هزینه به درآمد تأثیر



منفی بر عملکرد دارد. لی و ژانگ (۲۰۱۳) در پژوهشی بررسی کردند که آیا تنوع سود از افزایش درآمدهای بدون بهره در صنعت بانکداری ژاپنی وجود دارد و بیان کردند که به طور کلی تنوع عملکرد از افزایش درآمدهای بدون بهره وجود دارد. هرچند نوسانات در درآمدهای بدون بهره بیشتر از درآمد بهره ای خالص است و حاشیه سود از تنوع با افزایش درآمدهای بدون بهره کاهش می یابد. با توجه به اینکه توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی می تواند بر عملکرد بانک تاثیر بگذارد و همچنین در راستای بررسی این تاثیرگذاری، سوالات زیر در ذهن پژوهشگر ایجاد گردیده است که بدنبال پاسخ آنها هستیم:

توانایی مدیریت بر مدیریت ریسک بانکها تاثیر معنی داری است؟

روابط سیاسی بر مدیریت ریسک بانکها تاثیر معنی داری است؟

بحرانهای مالی بر مدیریت ریسک بانکها تاثیر معنی داری است؟

۳. روش تحقیق

۳.۱. مدل و داده

در تحقیق حاضر برای ارزیابی فرضیات باتوجه به ادعای مطرح شده در هر فرضیه از مدل‌های مختلفی استفاده می گردد که در ادامه معرفی می شوند.

$$CREDIT1_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$$

$$CREDIT2_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$$

$$LIQUIDITY1_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$$

$$LIQUIDITY2_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$$

$$LIQUIDITY3_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$$

$$OPERATION1_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$$

$$OPERATION2_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$$

مدلهای مورد استفاده برای آزمون فرضیات فرعی چهارم از فرضیات اصلی دوم، پنجم و هشتم بصورت زیر می باشد:

مدل اول برای عدم بازپرداخت بدهی:

$$INSOLVENCY1_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$$

مدل دوم برای نوسانات عملکرد بانک:

$$INSOLVENCY2_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$$



برای آزمون فرضیات فرعی هر یک از فرضیات اصلی، مدل فوق برای کل بانکها و در طول بازه تحقیق مورد آزمون قرار می گیرد و جهت ارزیابی هر یک از فرضیات فرعی، ضریب متغیر مستقل مرتبط با هر یک از فرضیات فرعی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد به اینصورت که معنی داری ضریب متغیر مستقل در مدل نشان دهنده تاثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته می باشد و جهت ضریب فوق نیز نمایان کننده نوع تاثیرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته می باشد. در این مقاله تلاش شده با استفاده از به کارگیری آخرین روش های برآورد در داده های تابلویی ایرادات موجود در مطالعات قبلی را تا حد امکان رفع کرده و نتایج سازگار و قابل اعتمادی ارائه گردد. بازه زمانی تحقیق در بازار بورس، بین سال های ۱۳۹۶-۱۳۸۸ بوده است. که ۱۱ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، به صورت حذفی سیستماتیک، از بازار بورس، به عنوان نمونه انتخاب گردید.

۴. داده ها و نتایج تجربی:

۱.۴. آمار توصیفی

اولین گام در تحلیل آماری تعیین مشخصات خلاصه شده داده ها و محاسبه شاخص های توصیفی می باشد. هدف از این تحلیل شناخت روابط درونی متغیرها و نشان دادن رفتار آزمودنی ها می باشد تا مقدمات تحلیل آماری فراهم شده و خصوصیات توصیفی برای تحلیل بیشتر آشکار گردد (هومن، ۱۳۸۳). تحلیل داده ها در این بخش با محاسبه شاخص های مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخص های پراکندگی از قبیل انحراف معیار، حداکثر و حداقل مقدار متغیرها انجام شده است.

جدول (۱). آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	مشاهدات	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	چولگی	کشیگی
ریسک اعتباری-مطالبات مشکوک الوصول	۹۹	۰,۰۰۰۱۰۵	۸,۲۰۷-۰۵	۰,۰۰۰۸۷۱	۳,۰۰۷-۰۶	۰,۰۰۰۱۲۳	۰,۱۴۲۷۰۴	۳,۳۶۷۷۱۲
ریسک اعتباری-مطالبات معوق	۹۹	۳,۷۲۷-۰۵	۳,۷۰۷-۰۵	۰,۰۰۰۱۳۳	۲,۰۰۷-۰۶	۲,۹۱۷-۰۵	۰,۶۳۶۸۴۹	۳,۳۷۱۰۳۴
ریسک نقدینگی-نسبت وام ها به سپرده ها	۹۹	۰,۸۶۰۹۰۹	۰,۸۸۶۱۱۴	۱,۲۲۳۳۵۹	۰,۵۳۲۶۰۴	۰,۱۵۸۹۴۶	-۰,۳۷۰۱۷	۲,۳۵۵۴۲۹
ریسک نقدینگی-نسبت ترکیب سپرده	۹۹	۰,۱۸۰۶۷۹	۰,۱۷۳۵۸۵	۰,۵۴۳۱۳۹	۰,۰۰۰۴۰۷	۰,۱۴۹۷۵۲	۰,۱۸۹۱۸۹	۲,۶۹۹۷۲۲
ریسک نقدینگی-خالص وام ها به کل دارایی ها	۹۹	۰,۶۸۸۳۹۶	۰,۷۰۹۹۲۲	۰,۸۹۳۸۸۱	۰,۳۴۷۸۳۰	۰,۱۲۲۱۵۵	-۰,۱۳۶۲۷	۳,۱۷۳۰۰۳
ریسک عملیاتی-کارایی تکنیکی	۹۹	۰,۰۰۰۱۷۳	۰,۰۰۰۱۶۶	۰,۰۰۰۰۶۷۱	۹,۰۰۷-۰۶	۰,۰۰۰۱۷۷	۰,۳۹۲۰۷۲	۳,۹۷۲۲۷۰
ریسک عملیاتی-کارایی بهای تمام شده	۹۹	۰,۳۷۷۶۰۸	۰,۳۹۱۶۲۶	۰,۷۸۲۸۸۲	۰,۰۳۷۷۰۴	۰,۲۱۷۱۹۶	۰,۱۳۳۹۴۱	۱,۹۱۶۴۳۱
ریسک ورشکستگی-عدم بازپرداخت بدهی	۹۹	۱۷,۲۵۹۴۰	۱۸,۹۱۶۳۷	۳۲,۴۹۱۱۵	۴,۱۱۱۴۸۴	۷,۰۷۳۵۷۵	-۰,۲۷۵۲۶	۲,۲۶۴۹۳۸
ریسک ورشکستگی-نوسانات عملکرد بانک	۹۹	۴,۴۳۲۱۸۷	۵,۰۶۱۵۵۲	۹,۶۱۹۷۰۷	۰,۳۱۲۲۹۴	۲,۵۲۳۹۰۷	-۰,۱۴۰۸۱	۱,۹۳۱۹۴۶
توانایی مدیریت	۹۹	۰,۱۱۴۳۹۹	۰,۱۱۷۸۲۹	۰,۲۳۲۷۰۱	۰,۰۱۱۳۸۸	۰,۰۵۳۵۷۷	۰,۰۱۹۷۹۲	۲,۴۴۳۹۷۰
روابط سیاسی-مدیریت سیاسی	۹۹	۰,۳۲۳۲۳۲	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۴۷۰۰۹۱	۰,۷۵۵۸۸۵	۱,۵۷۱۳۶۲
روابط سیاسی-نقود دولتی	۹۹	۱۸,۷۵۶۴۶	۰,۰۰۰۰۰۰	۸۱,۰۱۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۲۷,۳۴۱۱۲	۱,۲۷۸۶۳۹	۳,۲۱۴۲۹۱
بحران مالی-دوره رکود و رونق اقتصادی	۹۹	۰,۴۴۴۴۴۴	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۴۹۹۴۳۳	۰,۲۲۳۶۰۷	۱,۰۵۰۰۰۰
بحران مالی-فشار مالی	۹۹	۱,۶۳۶۱۶۳	۱,۱۹۰۱۶۸	۵,۸۳۷۶۸۷	-۰,۶۸۹۷۵	۱,۳۴۳۰۸۸	۱,۴۱۵۶۵۱	۴,۵۳۹۰۹۰
سهم سپرد بانک از کل نظام بانکی	۹۹	۰,۰۳۶۶۵۶	۰,۰۳۲۰۲۸	۰,۱۰۸۴۳۰	۰,۰۰۲۰۶۶	۰,۰۲۷۳۲۹	۰,۹۱۲۱۳۶	۳,۲۸۳۱۵۴
عمر	۹۹	۳,۰۷۳۶۱۹	۲,۹۹۵۷۳۲	۴,۲۷۶۶۶۶	۱,۷۹۱۷۵۹	۰,۵۸۴۴۵۹	۰,۳۵۸۹۰۶	۲,۵۲۳۲۲۳
اندازه	۹۹	۱۹,۳۶۸۵۲	۱۹,۴۹۵۵۷	۲۱,۵۲۰۱۷	۱۶,۴۴۰۸۰	۱,۱۸۲۲۸۰	-۰,۳۷۷۱۳	۲,۴۹۳۴۵۶



۲,۳۱۸۵۴۳	۰,۳۳۶۲۶۱	۰,۱۹۳۱۰۷	-۰,۱۲۸۲۸	۰,۶۵۴۵۸۳	۰,۲۱۷۳۵۶	۰,۲۰۱۸۰۱	۹۹	نرخ رشد تسهیلات
۲,۶۴۶۴۰۲	-۰,۸۰۲۸۶	۰,۲۱۵۱۹۲	-۰,۴۰۳۶۶	۰,۳۸۷۶۲۴	۰,۱۲۵۹۷۹	۰,۰۸۴۰۹۲	۹۹	نرخ رشد سپرده ها
۲,۵۸۲۲۱۳	-۰,۲۷۳۳۲	۰,۰۰۳۸۹۳	-۰,۰۰۸۴	۰,۰۰۸۷۷۷	۰,۰۰۱۰۷۷	۰,۰۰۰۸۵۷	۹۹	تغییر در سود خالص
۱۴,۵۶۴۵۲	۳,۶۸۳۰۰۴	۰,۲۳۹۸۲۱	۰,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۶۰۶۰۶	۹۹	متغیر مجازی زیان

میانگین اصلی ترین و مورد استفاده ترین شاخص مرکزی است. مقدار میانگین دقیقاً در نقطه تعادل و مرکز ثقل داده ها قرار می گیرد. متغیرهایی دارای کیفیت مناسب می باشند که اولاً بین میانگین و میانه آنها اختلاف چندانی وجود نداشته و از طرفی میزان چولگی و کشیدگی آنها با چولگی و کشیدگی توزیع نرمال اختلاف فاحشی نداشته و به ترتیب تقریباً برابر ۰ و ۳ باشند. همان طور که مشاهده می گردد همه متغیرها دارای توزیع های چوله و کشیده می باشند.

۰.۲.۴. آزمون نرمال بودن متغیرهای پژوهش

در انجام این پژوهش، به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می گردد. روش حداقل مربعات معمولی بر این فرض استوار است که متغیر دارای توزیع نرمال است و توزیع غیر نرمال آن منجر به تخطی از مفروضات این روش برای تخمین پارامترها می شود. لذا لازم است نرمال بودن متغیرها مورد آزمون قرار گیرد. در مطالعه حاضر آزمون نرمال بودن از طریق آماره جارک-برا مورد بررسی قرار می گیرد. اگر سطح معناداری آماره این آزمون بزرگتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیرها پذیرفته می شود. نتایج آزمون جارک-برا برای متغیرها در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲). آماره جارک-برا متغیرهای وابسته تحقیق

نام متغیر وابسته	آماره آزمون جارک برا	P-Value	نتیجه گیری
ROE	۵,۳۱۴۴۱۷	۰,۰۷۰۱۴۴	فرضیه صفر پذیرفته می شود یعنی داده ها نرمال هستند.
CREDIT1	۲,۳۷۰۰۳۱	۰,۳۰۵۷۴۱	فرضیه صفر پذیرفته می شود یعنی داده ها نرمال هستند.
CREDIT2	۳,۰۵۳۹۳۱	۰,۲۱۷۱۹۴	فرضیه صفر پذیرفته می شود یعنی داده ها نرمال هستند.
LEQUIDITY1	۳,۹۷۴۷۶۹	۰,۱۳۷۰۵۳	فرضیه صفر پذیرفته می شود یعنی داده ها نرمال هستند.
LEQUIDITY2	۲,۵۴۴۹۷۹	۰,۲۸۰۱۳۳	فرضیه صفر پذیرفته می شود یعنی داده ها نرمال هستند.
LEQUIDITY3	۰,۹۷۴۶۳۹	۰,۶۱۴۲۷۱	فرضیه صفر پذیرفته می شود یعنی داده ها نرمال هستند.



فرضیه صفر پذیرفته می‌شود یعنی داده‌ها نرمال هستند.	۰,۰۶۵۷۳۶	۵,۴۴۲۲۱	OPERATION1
فرضیه صفر پذیرفته می‌شود یعنی داده‌ها نرمال هستند.	۰,۰۷۶۵۶۴	۵,۱۳۹۲۶۳	OPERATION2
فرضیه صفر پذیرفته می‌شود یعنی داده‌ها نرمال هستند.	۰,۱۷۵۶۱۰	۳,۴۷۸۹۸۱	INSOLVENCY1
فرضیه صفر پذیرفته می‌شود یعنی داده‌ها نرمال هستند.	۰,۰۸۰۷۵۳	۵,۰۳۲۷۱۵	INSOLVENCY2

نحوه داوری: همان‌طور که در نگاره فوق مشاهده می‌شود، مقدار P-Value محاسبه شده برای متغیرهای وابسته از مقدار ۰/۰۵ سطح معنی‌داری بیشتر می‌باشند لذا می‌توان گفت در سطح معناداری ۵ درصد، فرض H_1 رد و فرض H_0 پذیرفته می‌شود یعنی داده‌ها نرمال می‌باشند..

۳.۴. آزمون مانایی متغیرها (ریشه واحد):

به منظور بررسی مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون ریشه واحد فیلپس پرون برای متغیرهای تحقیق استفاده می‌گردد. در صورتی که سری‌های زمانی مورد استفاده در رگرسیون پایا نباشد، ممکن است دچار رگرسیون کاذب شویم. نتیجه آزمون ریشه واحد فیلپس پرون برای متغیرهای مدل مورد بررسی در ذیل آمده است.

جدول (۳). بررسی مانایی متغیرها

نام متغیر	آماره آزمون دیکی-فولر	P-Value	نتیجه‌گیری
CREDIT1	-۷,۷۹۹۰۹	۰,۰۰۰۰*	مانا می‌باشد
CREDIT2	-۶,۱۳۴۹۴	۰,۰۰۰۰*	مانا می‌باشد
LEQUIDITY1	-۸,۸۴۹۰۶	۰,۰۰۰۰*	مانا می‌باشد
LEQUIDITY2	-۵,۹۷۰۸۳	۰,۰۰۰۰*	مانا می‌باشد
LEQUIDITY3	-۵,۹۹۳۱۸	۰,۰۰۰۰*	مانا می‌باشد
OPERATION1	-۶,۲۸۷۸۷	۰,۰۰۰۰*	مانا می‌باشد
OPERATION2	-۵,۸۰۳۵۲	۰,۰۰۰۰*	مانا می‌باشد
INSOLVENCY1	-۷,۲۰۳۱۹	۰,۰۰۰۰*	مانا می‌باشد
INSOLVENCY2	-۶,۲۵۲۸۱	۰,۰۰۰۰*	مانا می‌باشد
MA	-۳,۸۳۳۹۷	۰,۰۱۶۰*	مانا می‌باشد
POLITIC1	-۳,۲۲۵۶۳	۰,۰۲۱۳*	مانا می‌باشد
POLITIC2	-۱۰,۳۷۰۶	۰,۰۰۰۰*	مانا می‌باشد



<i>CRISIS1</i>	-۹,۶۹۴۵۵	۰,۰۰۰۰*	مانا می باشد
<i>CRISIS2</i>	-۸,۱۹۷۶۵	۰,۰۰۰۰*	مانا می باشد
<i>DEPMARKET</i>	-۵,۸۲۶۱۷	۰,۰۰۰۰*	مانا می باشد
<i>Ln Age</i>	-۳,۲۵۰۴۵	۰,۰۲۰۰*	مانا می باشد
<i>SIZE</i>	-۳,۸۵۶۶۲	۰,۰۰۳۴*	مانا می باشد
<i>LOANGRTH</i>	-۷,۶۴۳۸۶	۰,۰۰۰۰*	مانا می باشد
<i>DEPGRTH</i>	-۹,۷۳۷۳۳	۰,۰۰۰۰*	مانا می باشد
$\Delta NI/TA$	-۷,۷۰۹۶۲	۰,۰۰۰۰*	مانا می باشد
<i>LOSS</i>	-۵,۹۰۲۹۲	۰,۰۰۰۰*	مانا می باشد

نتایج جدول (۳) با توجه به اینکه مقادیر P-value آماره دیکی- فولر (ADF) کمتر از ۵ درصد می باشد لذا فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود ریشه واحد و به عبارتی عدم مانایی تمامی متغیرها رد شده و مانا می باشند.

-۱

۴.۴. آزمون تشخیص مدل:

به منظور تخمین مدل مربوط به فرضیه ها، در ابتدا باید نوع روش تخمین، مشخص گردد. بنابراین، ابتدا برای تشخیص بین اینکه باید از روش پولینگ دیتا استفاده شود یا از روش داده های تلفیقی استفاده شود، آماره چاو (F لیمر) محاسبه می شود. با توجه به فرض ثابت بودن ضرایب متغیرها، آیا عرض از مبدا در تمامی سال ها ثابت است یا خیر. به طور کلی برای انتخاب از میان مدل Pooled و Panel از آزمون زیر استفاده می کنیم:

$$\begin{cases} H_0: \alpha_1 = \alpha_2 = \alpha_3 = \dots = \alpha_{t-1} & \text{(مدل pooled) تمام عرض از مبداها با هم برابرند} \\ H_1: \alpha_i \neq \alpha_j & \text{(مدل panel) حداقل یکی از عرض از مبداها با بقیه متفاوت است} \end{cases}$$

جدول (۴). نتایج آزمون F لیمر

شماره مدل	آماره F لیمر (چاو)	P-Value	نتیجه گیری	مدل مورد استفاده
۱	۲,۷۷۳۱۸۳	۰,۰۰۵۷	عرض از مبداها با هم برابر نیستند	Panel
۲	۳,۲۹۷۸۴۵	۰,۰۰۱۴	عرض از مبداها با هم برابر نیستند	Panel
۳	۰,۶۸۷۱۳۴	۰,۷۳۳۲	عرض از مبداها با هم برابر هستند	Pooled



۴	۲,۲۸۷۴۴۴	۰,۰۲۱۰	عرض از مبداها با هم برابر نیستند	Panel
۵	۳,۵۴۴۷۸۹	۰,۰۰۰۷	عرض از مبداها با هم برابر نیستند	Panel
۶	۲,۰۷۲۱۷	۰,۰۳۷۱	عرض از مبداها با هم برابر نیستند	Panel
۷	۳,۲۶۷۳۲۵	۰,۰۰۱۵	عرض از مبداها با هم برابر نیستند	Panel
۸	۲,۶۱۰۶۲۹	۰,۰۰۸۸	عرض از مبداها با هم برابر نیستند	Panel
۹	۳,۹۰۰۴۰۲	۰,۰۰۰۳	عرض از مبداها با هم برابر نیستند	Panel

همانطور که مشاهده می‌شود با توجه به اینکه در مدل شماره های ۳، ۴ و ۷ مقادیر P-Value بیش از ۵ درصد می باشند فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبداها رد نشده و برای آزمون فرضیات می بایست از روش Pooled استفاده شود. در حالی که در سایر مدل ها از روش پنل برای برآزش مدل استفاده می شود. حال می بایست در مدل Panel، مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی آزمون گردد. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. به عبارت دیگر پاسخ به این پرسش که با فرض ثابت بودن ضرائب مربوط به متغیرها آیا عرض از مبدا برای مقاطع مختلف ثابت است به عبارت دیگر آیا تفاوت در عرض از مبدا واحدهای مقطعی به طور ثابت عمل میکند یا اینکه عملکردهای تصادفی می توانند این اختلاف بین مقاطع را بطور واضحتری بیان نماید که به ترتیب این دو روش در ادبیات داده های تلفیقی به روش های ثابت و اثرات تصادفی مشهور هستند که ذیلا روش های ذکر شده، به اختصار مورد بحث قرار می گیرد.

۲-

۴.۵. تخمین مدل با اثرات ثابت ۱۲ یا تصادفی ۱۳:

حال می بایست در مدل داده های تلفیقی (panel)، مدل اثرات ثابت در مقابل مدل اثرات تصادفی آزمون گردد. برای این کار از آزمون هاسمن استفاده می شود. به عبارت دیگر پاسخ به این پرسش که با فرض ثابت بودن ضرائب مربوط به متغیرها آیا عرض از مبدا برای مقاطع مختلف ثابت است به عبارت دیگر آیا تفاوت در عرض از مبدا واحدهای مقطعی به طور ثابت عمل می کند یا اینکه عملکردهای تصادفی می توانند این اختلاف بین مقاطع را بطور واضحتری بیان نمایند که این روش در ادبیات داده های تلفیقی به روش های ثابت و اثرات تصادفی مشهور هستند که ذیلا روش های فوق الذکر به اختصار مورد بحث قرار می گیرد.

اثرات ثابت

یک روش متداول در فرمول بندی کردن مدل داده های تلفیقی، بر این فرض استوار است که اختلافات بین واحدها را می توان به صورت تفاوت عرض از مبدا نشان داد. در واقع برای هر ضریب، عرض از مبدا متفاوت می باشد.



اثرات تصادفی

جامعه از بی نهایت تصمیم تشکیل شده است نه از بی نهایت افراد. در این صورت نباید عرض از مبداها را مشروط و مقید بدانیم یعنی بهتر است که آن ها را جمله تصادفی بنامیم نه ثابت. روش اثرات تصادفی فرض می کند جزء ثابت مشخص کننده مقاطع مختلف به صورت تصادفی بین واحدهای مختلف توزیع شده است. با معرفی این دو روش سوالی که پیش می آید این است که در عمل ما بایستی کدام یک از روش های مذکور را استفاده کنیم که برای تصمیم گیری از آزمون هاسمن ۱۴ استفاده می شود.

آزمون این فرض به شرح ذیل می باشد:

$$\begin{cases} H_0 = \text{مدل اثرات تصادفی} \\ H_1 = \text{مدل اثرات ثابت} \end{cases}$$



جدول (۵). نتایج آزمون هاسمن

نتیجه گیری	مقدار P-Value	درجه آزادی	آماره هاسمن	شماره مدل
اثرات ثابت	۰,۰۲۴۴	۱۲	۱۹,۰۹۲۹۳۷	۱
اثرات ثابت	۰,۰۰۶۷	۱۲	۱۹,۵۱۹۹۶۳	۲
اثرات ثابت	۰,۰۰۰۰	۱۲	۴۰,۰۲۰۷۶۳	۳
اثرات ثابت	۰,۰۱۰۱	۱۲	۲۰,۰۵۲۳۱۹	۴
اثرات ثابت	۰,۰۰۰۱	۱۲	۳۲,۱۷۵۰۲۹	۵
اثرات ثابت	۰,۰۰۰۰	۱۲	۶۲,۵۷۱۰۴۲	۶
اثرات ثابت	۰,۰۰۰۰	۱۲	۱۴۶,۴۴۷۵۵۲	۷
اثرات ثابت	۰,۰۰۰۰	۱۲	۳۶,۲۷۱۷۳۴	۸

همانگونه که از جدول فوق مشاهده می گردد آماره هاسمن محاسبه شده برای همه مدل های فوق، بزرگتر از مقدار استاندارد آماره کای دو با درجه آزادی ۱۲ (تعداد متغیرهای مستقل در مدل) بوده و مقدار P-Value آن ها نیز کمتر از ۵ درصد است لذا فرضیه صفر در این مدل ها رد شده و برای برازش مدل از روش اثرات ثابت استفاده می شود..

-۳

۶.۴. هم خطی متغیرها

در اقتصادسنجی هم خطی زمانی اتفاق می افتد که دو یا بیش از دو متغیر توضیح دهنده (مستقل) در یک رگرسیون چندمتغیره نسبت به یکدیگر از همبستگی بالایی برخوردار باشند. منظور از همبستگی در اینجا وجود یک ارتباط خطی بین متغیرهای مستقل است. بسته به شدت همبستگی بین متغیرهای مستقل، میزان و نوع هم خطی متفاوت خواهد بود. هم خطی کمابیش در همه مدل های رگرسیون موجود است؛ آنچه که مهم است شدت هم خطی بین متغیرهای مستقل است. وجود «هم خطی کامل» موجب نقض فرض های کلاسیک مدل رگرسیون می شود. در این مطالعه برای بررسی هم خطی بین متغیرهای توضیحی از ضریب همبستگی بین آن ها استفاده شده است. که نتایج آن در جدول (۶) آمده است.

جدول (۶). ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون

LEQUIDI TY2	LEQUIDI TY1	CREDIT2	CREDIT1	INSOLVE NCY2	INSOLVE NCY1	OPERATI ON2	OPERATI ON1	LEQUIDI TY3	Correlation
۲۵,۱۵%	-۱۷,۳۷%	-۳,۸۳%	-۱۱,۶۴%	-۰,۶۸%	-۱۱,۲۵%	۲۶,۲۱%	-۱۳,۷۱%	-۲۴,۴۳%	MA
۵۴,۷۲%	۱۰,۴۳%	-۶,۱۸%	-۵,۷۰%	-۳۱,۸۶%	-۲۱,۳۴%	-۳۱,۰۷%	-۳۴,۷۹%	۲۴,۳۰%	POLITIC1
۴۷,۶۷%	-۱۷,۱۱%	۲,۰۴%	۱۱,۸۷%	۲۵,۷۵%	۱۹,۴۷%	۳۳,۴۳%	-۲۷,۸۳%	۱۶,۷۳%	POLITIC2
۳۱,۴۸%	-۱۸,۹۶%	-۲۲,۰۶%	-۲۰,۶۹%	-۱۱,۳۰%	-۴,۱۶%	-۲,۲۹%	-۳۵,۲۶%	۵,۹۷%	DEPMARKET
۵۰,۹۴%	-۲۵,۵۵%	۱۷,۱۵%	۱۱,۱۳%	۱۵,۷۶%	-۱۰,۳۸%	۳۶,۲۳%	۴۱,۲۳%	-۳۷,۸۹%	Ln Age
۲۱,۵۸%	-۲۳,۶۳%	-۳۴,۸۴%	۱,۹۱%	۴,۳۷%	۱۳,۹۵%	۲۳,۰۳%	-۴۳,۷۹%	-۲۱,۱۳%	SIZE
-۱۸,۷۷%	۱۱,۴۲%	-۵,۸۵%	-۳۴,۰۵%	-۷,۲۷%	۰,۹۰%	-۲۶,۹۸%	-۱۲,۵۱%	۲۷,۸۳%	LOANGRTH
۵,۹۶%	-۸,۳۷%	۱۵,۶۰%	۳,۲۳%	۴,۹۸%	۵,۲۵%	-۳۲,۲۵%	۱۱,۶۴%	-۹,۲۲%	DEPGRTH
۱۱,۶۳%	۲۴,۱۱%	۷,۱۷%	-۱۷,۸۲%	۱۸,۹۷%	-۴,۰۰%	-۴۳,۷۴%	۲۴,۴۷%	۱۵,۴۲%	ΔNI/TA



LOSS	-۲۴,۵۸٪	۱۹,۸۶٪	۲۵,۷۷٪	۲,۵۱٪	۰,۹۰٪	-۵,۵۹٪	۳,۱۵٪	۱,۸۹٪	-۴,۲۴٪
------	---------	--------	--------	-------	-------	--------	-------	-------	--------

آزمون نتایج همبستگی نشان می دهد که ارتباط همبستگی توانایی مدیریت با ریسک اعتباری-مطالبات مشکوک الوصول ۱۱,۶۴-٪، ریسک اعتباری-مطالبات معوق ۳,۸۳-٪، ریسک نقدینگی-نسبت وامها به سپردهها ۱۷,۳۷-٪، ریسک نقدینگی-نسبت ترکیب سپرده ۲۵,۱۵٪، ریسک نقدینگی-خالص وامها به کل داراییها ۲۴,۴۳-٪، ریسک عملیاتی-کارایی تکنیکی ۱۳,۷۱-٪، ریسک عملیاتی-کارایی بهای تمام شده ۲۶,۲۱٪، ریسک ورشکستگی-عدم بازپرداخت بدهی ۱۱,۲۵-٪، ریسک ورشکستگی-نوسانات عملکرد بانک ۰,۶۸-٪، می باشد.

-۴

۷.۴. تخمین مدلها:

تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک اعتباری-مطالبات مشکوک الوصول جدول (۷). نتایج حاصل از آزمون تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک اعتباری-مطالبات مشکوک الوصول بر اساس مدل ۵

$credit1_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$				مدل
متغیرهای توضیحی	ضرایب متغیر در مدل	مقادیر آماره t	مقادیر P-Value	نتیجه گیری
مقدار ثابت	-۴,۳۹[-۰,۵]	-۰,۱۷۱۵۱۷	۰,۸۶۴۲	عدم معناداری در مدل
MA	-۰,۰۰۰۱۹۷	-۰,۸۱۸۴۳۲	۰,۴۱۵۴	عدم معناداری در مدل
POLITIC1	-۶,۶۸[-۰,۵]	-۱,۱۱۲۸۲۳	۰,۲۶۸۹	عدم معناداری در مدل
POLITIC2	۱,۰۳[-۰,۶]	۱,۲۰۱۸۱۱	۰,۲۳۲۷	عدم معناداری در مدل
CRISIS1	-۴,۵۲[-۰,۵]	-۱,۷۹۹۲۸۶	۰,۰۷۵۵	عدم معناداری در مدل
CRISIS2	۱,۲۷[-۰,۵]	۱,۳۷۰۶۱۹	۰,۱۷۴۱	عدم معناداری در مدل
DEPMARKET	-۰,۰۰۱۵۳۳	-۲,۷۴۹۰۳۹	۰,۰۰۷۳*	معنادار در سطح ۹۵ درصد
AGE	۶,۹۷[-۰,۵]	۱,۸۸۶۷۳۶	۰,۰۶۲۶	عدم معناداری در مدل
SIZE	۲,۳۰[-۰,۶]	۰,۱۴۸۲۲۸	۰,۸۸۲۵	عدم معناداری در مدل
LOANGRTH	-۰,۰۰۰۱۷۸	-۲,۶۲۲۹۰۰	۰,۰۱۰۳*	معنادار در سطح ۹۵ درصد
DEPGRTH	۰,۰۰۰۱۱۳	۱,۸۳۸۹۱۱	۰,۰۶۹۴	عدم معناداری در مدل
ΔNI	-۰,۰۰۳۹۲۴	-۱,۱۶۶۸۴۱	۰,۲۴۶۵	عدم معناداری در مدل
LOSS	-۲,۸۵[-۰,۷]	-۰,۰۰۵۳۶۳	۰,۹۹۵۷	عدم معناداری در مدل

۱,۱۵۱۳۴۳	آزمون دوربین واتسون	۲,۱۷۵۸۱۵	مقادیر آزمون F
۹۶۳۶۵۰۰	مقادیر ضریب تعیین R^2	۰,۰۰۲۲۴*	مقادیر P-Value
۱۶۷۸۸۰۰	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R^2		
نتیجه کفایت مدل: با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.			

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

نتایج آزمون رگرسیون بیانگر این است که ضریب متغیر MA در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت، مقدار متغیر ریسک اعتباری- مطالبات مشکوک الوصول بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست زیرا اولاً مقدار t به دست آمده کمتر از مقدار متناظر آن در جدول ($t_{\alpha=0,975}=1/96$) بوده و همچنین $p-value$ محاسبه شده در این متغیر نیز بیش از ۵ درصد است. نتایج با نتایج ضریب همبستگی همخوانی دارد. لذا این ادعا که توانایی مدیریت بر ریسک اعتباری- مطالبات مشکوک الوصول بانکها تاثیر معنی داری دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

ضریب متغیر POLITIC1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- مدیریت سیاسی ، مقدار متغیر ریسک اعتباری- مطالبات مشکوک الوصول بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست .همچنین ضریب متغیر POLITIC2 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- نفوذ دولتی، مقدار متغیر ریسک اعتباری- مطالبات مشکوک الوصول بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست.

ضریب متغیر CRISIS1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- دوره رکود ، مقدار متغیر ریسک اعتباری- مطالبات مشکوک الوصول کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست .همچنین ضریب متغیر CRISIS2 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- فشار مالی، مقدار متغیر ریسک اعتباری- مطالبات مشکوک الوصول بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست .لذا این ادعا که بین بحرانهای مالی ریسک اعتباری- مطالبات مشکوک الوصول بانکها ارتباط معنی داری وجود دارد ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.



تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک اعتباری-مطالبات معوق

جدول (۸). نتایج حاصل از آزمون تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک اعتباری-مطالبات معوق

$CREDIT2_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \epsilon$		مدل		
نتیجه گیری	مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۰۱۱*	۳,۳۱۷۵۴۷	۰,۰۰۰۲۰۴	مقدار ثابت
عدم معناداری در مدل	۰,۸۷۸۹	-۰,۱۵۲۷۸۳	-۸,۶۷[-۰,۰۶	MA
عدم معناداری در مدل	۰,۲۰۷۶	-۱,۲۶۹۷۷۱	-۱,۸۰[-۰,۰۵	POLITIC1
عدم معناداری در مدل	۰,۵۹۲۲	۰,۵۳۷۷۰۳	۱,۰۹[-۰,۰۷	POLITIC2
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۱۰۷*	-۲,۶۱۰۶۵۹	-۱,۵۵[-۰,۰۵	CRISIS1
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۱۱۰*	-۲,۵۹۹۴۲۶	-۵,۶۷[-۰,۰۶	CRISIS2
عدم معناداری در مدل	۰,۵۸۶۹	-۰,۵۴۵۳۸۶	-۷,۱۷[-۰,۰۵	DEPMARKET
عدم معناداری در مدل	۰,۶۸۶۲	۰,۴۰۵۳۲۲	۳,۵۳[-۰,۰۶	AGE
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۳۳۷*	-۲,۱۵۸۳۱۲	-۷,۸۹[-۰,۰۶	SIZE
عدم معناداری در مدل	۰,۲۳۰۲	-۱,۲۰۸۴۸۴	-۱,۹۴[-۰,۰۵	LOANGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۲۵۱۷	۱,۱۵۳۹۹۴	۱,۶۸[-۰,۰۵	DEPGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۹۲۷۶	۰,۰۹۱۱۸۸	۷,۲۳[-۰,۰۵	ΔNI
عدم معناداری در مدل	۰,۲۰۱۷	۱,۲۸۶۵۹۷	۱,۶۱[-۰,۰۵	LOSS
۱,۵۸۱۵۲۱	آزمون دوربین واتسون	۲,۹۹۱۵۴۳	F مقادیر آزمون	
۰,۲۰۴۴۹۵	مقادیر ضریب تعیین R ²	۰,۰۰۱۵۵۵*	P-Value مقادیر	
۰,۱۹۶۰۵۳	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R ²			
با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.				نتیجه کفایت مدل:

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

ضریب متغیر MA در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت ، مقدار متغیر ریسک اعتباری- معوقات بانکی بانکهها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست.

ضریب متغیر POLITIC1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- مدیریت سیاسی ، مقدار متغیر ریسک اعتباری- معوقات بانکی بانکهها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست . همچنین ضریب متغیر POLITIC2 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- نفوذ دولتی، مقدار متغیر ریسک اعتباری- معوقات بانکی بانکهها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست .

ضریب متغیر CRISIS1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- دوره رکود ، مقدار متغیر ریسک اعتباری- معوقات بانکی کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. همچنین ضریب متغیر CRISIS2 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- فشار مالی، مقدار متغیر ریسک اعتباری- معوقات بانکی کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است لذا این ادعا که بین بحرانهای مالی ریسک اعتباری- معوقات بانکی بانکه ارتباط معنی داری وجود دارد ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک نقدینگی- نسبت وامها به سپردهها

جدول (۹). نتایج حاصل از آزمون تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک نقدینگی- نسبت وامها به سپردهها

$LIQUIDITY1_{it}$ $= \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it}$ $+ \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it}$ $+ \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LOANGRTH_{it}$ $+ \beta_{10} DEPGRTH_{it} + \beta_{11} \Delta NI_{it} + \beta_{12} LOSS_{it} + \varepsilon$		مدل		
نتیجه گیری	مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
مقدار ثابت	۰,۰۰۰۲	۳,۸۲۶۹۸۶	۱,۳۳۲۱۸۸	
عدم معناداری در مدل	۰,۳۴۵۰	-۰,۹۴۹۶۴۴	-۰,۳۱۱۳۴۶	MA
مقدار در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۲۳۸	۲,۳۰۱۱۰۶	۰,۱۸۸۰۲۹	POLITIC1
مقدار در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۱۳۵	-۲,۵۲۳۴۴۴	-۰,۰۰۲۹۵۱	POLITIC2
عدم معناداری در مدل	۰,۸۷۷۷	-۰,۱۵۴۳۲۹	-۰,۰۰۵۲۷۸	CRISIS1
عدم معناداری در مدل	۰,۱۳۴۵	۱,۵۱۰۷۳۵	۰,۰۱۹۰۴۴	CRISIS2
عدم معناداری در مدل	۰,۲۵۲۳	-۱,۱۵۲۵۲۲	-۰,۸۷۵۲۷۱	DEPMARKET
عدم معناداری در مدل	۰,۴۰۶۴	-۰,۸۳۴۴۲۲	-۰,۰۴۱۹۹۹	AGE
عدم معناداری در مدل	۰,۴۴۱۶	-۰,۷۷۳۱۲۴	-۰,۰۱۶۳۱۹	SIZE
عدم معناداری در مدل	۰,۹۰۵۳	۰,۱۱۹۲۷۱	۰,۰۱۱۰۵۴	LOANGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۹۶۳۷	-۰,۰۴۵۷۰۱	-۰,۰۰۳۸۳۸	DEPGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۱۹۵۷	۱,۳۰۳۹۱۹	۵,۹۷۲۰۴۱	ΔNI
عدم معناداری در مدل	۰,۹۴۰۴	۰,۰۷۴۹۶۱	۰,۰۰۵۴۲۷	LOSS
۱,۹۷۵۰۰۷	آزمون دوربین واتسون	۱,۹۲۶۵۶۹	مقادیر آزمون F	
۰,۲۱۱۸۶۸	مقادیر ضریب تعیین R ²	۰,۰۴۱۹۱۵*	مقادیر P-Value	



۰,۲۰۱۸۹۷	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R^2		
نتیجه کفایت مدل:		با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.	

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

ضریب متغیر MA در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت ، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - نسبت وامها به سپردهها بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست لذا این ادعا که توانایی مدیریت بر ریسک نقدینگی - نسبت وامها به سپردهها بانکها تاثیر معنی داری دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

ضریب متغیر POLITIC1 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- مدیریت سیاسی ، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - نسبت وامها به سپردهها بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است همچنین ضریب متغیر POLITIC2 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- نفوذ دولتی، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - نسبت وامها به سپردهها بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است لذا این ادعا که بین روابط سیاسی و ریسک نقدینگی - نسبت وامها به سپردهها بانکها ارتباط معنی داری وجود دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

ضریب متغیر CRISIS1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- دوره رکود ، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - نسبت وامها به سپردهها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست . همچنین ضریب متغیر CRISIS2 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- فشار مالی، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - نسبت وامها به سپردهها بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. لذا این ادعا که بین بحرانهای مالی ریسک نقدینگی - نسبت وامها به سپردهها بانکها ارتباط معنی داری وجود دارد ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک نقدینگی-نسبت ترکیب سپرده
جدول (۱۰). نتایج حاصل از آزمون تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک نقدینگی-نسبت ترکیب سپرده

$LIQUIDITY2_{it}$ $= \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it}$ $+ \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it}$ $+ \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it}$ $+ \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$		مدل		
نتیجه گیری	مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
عدم معناداری در مدل	۰,۱۲۹۸	-۱,۵۲۹۵۷۵	-۰,۴۰۶۶۷۸	مقدار ثابت
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۲۸۳*	۲,۲۳۰۷۰۴	۰,۵۵۸۵۹۳	MA
عدم معناداری در مدل	۰,۱۳۸۶	۱,۴۹۴۹۳۴	۰,۰۹۳۳۰۰	POLITIC1
عدم معناداری در مدل	۰,۲۸۷۲	۱,۰۷۰۸۲۳	۰,۰۰۰۹۵۷	POLITIC2
عدم معناداری در مدل	۰,۱۰۵۰	-۱,۶۳۸۳۹۴	-۰,۰۴۲۷۹۵	CRISIS1
عدم معناداری در مدل	۰,۸۰۰۳	-۰,۲۵۳۷۵۱	-۰,۰۰۲۴۴۳	CRISIS2
عدم معناداری در مدل	۰,۶۲۷۰	۰,۴۸۷۷۲۵	۰,۲۸۲۹۰۴	DEPMARKET
عدم معناداری در مدل	۰,۱۶۵۴	۱,۳۹۸۹۸۸	۰,۰۵۳۷۸۳	AGE
عدم معناداری در مدل	۰,۲۸۶۶	۱,۰۷۲۱۹۶	۰,۰۱۷۲۸۶	SIZE
عدم معناداری در مدل	۰,۵۴۱۱	-۰,۶۱۳۵۸۹	-۰,۰۴۳۳۳۴	LOANGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۲۳۳۳	۱,۲۰۰۳۲۵	۰,۰۷۶۹۹۷	DEPGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۹۸۹۸	۰,۰۱۲۸۱۹	۰,۰۴۴۸۴۳	ΔNI
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۰۴۲*	-۲,۹۴۱۷۲۶	-۰,۱۶۲۶۶۳	LOSS
۱,۷۴۹۲۷۵	آزمون دوربین واتسون	۶,۶۶۹۷۴۳	مقادیر آزمون F	
۰,۱۵۲۰۳۳	مقادیر ضریب تعیین R^2	۰,۰۰۰۰۰*	مقادیر P-Value	
۰,۱۴۹۷۷۰	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R^2			
نتیجه کفایت مدل:				با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

ضریب متغیر MA یعنی β_1 استفاده می شود. نتایج آزمون رگرسیون بیانگر این است که ضریب متغیر MA در مدل مثبت می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - نسبت ترکیب سپرده بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ



آماري در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است لذا این ادعا که توانایی مدیریت بر ریسک نقدینگی - نسبت ترکیب سپرده بانکها تاثیر معنی داری دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد تایید می شود.

در فرضیه فرعی دوم از فرضیه اصلی پنجم به بررسی این موضوع پرداخته می شود که آیا روابط سیاسی بر ریسک نقدینگی - نسبت ترکیب سپرده بانکها تاثیر معنی داری دارد یا خیر؟. فرض صفر و مقابل آماری بصورت زیر می باشد.

ضریب متغیر POLITIC1 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- مدیریت سیاسی، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - نسبت ترکیب سپرده بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست همچنین ضریب متغیر POLITIC2 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- نفوذ دولتی، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - نسبت ترکیب سپرده بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست.

ضریب متغیر CRISIS1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- دوره رکود، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - نسبت ترکیب سپرده بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. همچنین ضریب متغیر CRISIS2 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- فشار مالی، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - نسبت ترکیب سپرده بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. لذا این ادعا که بین بحرانهای مالی ریسک نقدینگی - نسبت ترکیب سپرده بانکها ارتباط معنی داری وجود دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک نقدینگی-خالص وامها به کل داراییها
 جدول (۱۱). نتایج حاصل از آزمون تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک نقدینگی-خالص وامها به کل داراییها

$LIQUIDITY3_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$				مدل
نتیجه گیری	مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۰۰۱*	۴,۱۴۱۱۲۰	۱,۰۴۳۴۷۵	مقدار ثابت
عدم معناداری در مدل	۰,۴۵۰۸	-۰,۷۵۷۵۷۵	-۰,۱۷۹۱۹۰	MA
عدم معناداری در مدل	۰,۹۷۵۴	۰,۰۳۰۹۷۲	۰,۰۰۱۸۳۲	POLITIC1
عدم معناداری در مدل	۰,۹۱۷۳	۰,۱۰۴۱۱۷	۸,۸۱۷-۰۵	POLITIC2
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۰۶۹*	۲,۷۶۹۷۰۹	۰,۰۶۸۵۶۴	CRISIS1
عدم معناداری در مدل	۰,۳۲۳۳	۰,۹۹۳۳۲۸	۰,۰۰۹۰۶۴	CRISIS2
عدم معناداری در مدل	۰,۱۸۴۴	۱,۳۳۸۰۸۰	۰,۷۳۵۵۸۲	DEPMARKET
عدم معناداری در مدل	۰,۰۵۶۳	-۱,۹۳۴۶۱۴	-۰,۰۷۰۴۸۷	AGE
عدم معناداری در مدل	۰,۴۹۲۲	-۰,۶۸۹۷۶۲	-۰,۰۱۰۵۳۹	SIZE
عدم معناداری در مدل	۰,۲۳۹۴	۱,۱۸۴۷۷۳	۰,۰۷۹۴۸۳	LOANGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۶۱۹۸	-۰,۴۹۷۸۷۱	-۰,۰۳۰۲۶۷	DEPGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۸۸۴۴	۰,۱۴۵۷۹۲	۰,۴۸۳۳۵۰	ΔNI
عدم معناداری در مدل	۰,۴۹۹۲	-۰,۶۷۸۷۰۰	-۰,۰۳۵۵۶۷	LOSS
۲,۳۳۳۰۴	آزمون دوربین واتسون	۳,۰۸۳۴۸۲	F مقادیر آزمون	
۰,۱۰۰۸۳۳	مقادیر ضریب تعیین R ²	۰,۰۰۱۱۶۳*	P-Value مقادیر	
۰,۰۹۳۲۶۴	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R ²			
نتیجه کفایت مدل:				با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

ضریب متغیر MA در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت ، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - خالص وامها به کل داراییهای بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. ضریب متغیر POLITIC1 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی-مدیریت سیاسی ، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - خالص



وامها به کل داراییهای بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. ضریب متغیر $POLITIC2$ در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- نفوذ دولتی، مقدار متغیر ریسک نقدینگی - خالص وامها به کل داراییهای بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست

لذا این ادعا که بین روابط سیاسی و ریسک نقدینگی - خالص وامها به کل داراییهای بانکها ارتباط معنی داری وجود دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک عملیاتی-کارایی تکنیکی

جدول (۱۲). نتایج حاصل از آزمون تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک عملیاتی-کارایی تکنیکی

$OPERATION1_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_8 LOANGRTH_{it} + \beta_8 DEPGRTH_{it} + \beta_8 \Delta NI_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \varepsilon$				مدل
نتیجه گیری	مقادیر P- Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
معنادار در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۰۰۱*	۳,۹۹۴۱۱۵	۰,۰۰۱۴۰۵	مقدار ثابت
عدم معناداری در مدل	۰,۸۷۵۴	-۰,۱۵۷۲۴۰	-۵,۲۱۷-۰۵	MA
عدم معناداری در مدل	۰,۶۶۴۴	-۰,۴۳۵۳۲۸	-۳,۵۹۷-۰۵	POLITIC1
عدم معناداری در مدل	۰,۱۶۵۱	-۱,۴۰۰۰۲۹	-۱,۶۵۷-۰۶	POLITIC2
عدم معناداری در مدل	۰,۱۰۸۸	۱,۶۲۰۶۰۰	۵,۶۰۷-۰۵	CRISIS1
عدم معناداری در مدل	۰,۶۵۶۳	-۰,۴۴۶۵۳۹	-۵,۶۹۷-۰۶	CRISIS2
عدم معناداری در مدل	۰,۲۵۵۸	-۱,۱۴۳۹۵۰	-۰,۰۰۰۸۷۸	DEPMARKET
عدم معناداری در مدل	۰,۶۸۶۱	۰,۴۰۵۵۳۲	۲,۰۶۷-۰۵	AGE
معنادار در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۰۳۸*	-۲,۹۷۱۰۶۴	-۶,۳۴۷-۰۵	SIZE
عدم معناداری در مدل	۰,۴۴۵۰	-۰,۷۶۷۳۸۳	-۷,۱۹۷-۰۵	LOANGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۵۲۷۲	۰,۶۳۴۸۴۴	۵,۳۹۷-۰۵	DEPGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۱۶۱۸	۱,۴۱۱۰۲۳	۰,۰۰۶۵۳۱	ΔNI
عدم معناداری در مدل	۰,۷۴۶۲	۰,۳۲۴۷۴۳	۲,۳۸۷-۰۵	LOSS
۱,۵۱۴۳۱۶	آزمون دوربین واتسون	۳,۸۳۶۷۷۲	مقادیر آزمون F	
۰,۱۴۸۶۸۸	مقادیر ضریب تعیین R^2	۰,۰۰۰۱۰۹*	مقادیر P-Value	
۰,۱۲۷۸۰۸	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R^2			
با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.				نتیجه کفایت مدل:

*معنادار در سطح ۹۵ درصد



ضریب متغیر MA در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت ، مقدار متغیر ریسک عملیاتی - کارایی تکنیکی بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست لذا این ادعا که توانایی مدیریت بر ریسک عملیاتی - کارایی تکنیکی بانکها تاثیر معنی داری دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

ضریب متغیر POLITIC1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- مدیریت سیاسی ، مقدار متغیر ریسک عملیاتی - کارایی تکنیکی بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. همچنین ضریب متغیر POLITIC2 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- نفوذ دولتی، مقدار متغیر ریسک عملیاتی - کارایی تکنیکی بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست . لذا این ادعا که بین روابط سیاسی و ریسک عملیاتی - کارایی تکنیکی بانکها ارتباط معنی داری وجود دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

ضریب متغیر CRISIS1 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- دوره رکود ، مقدار متغیر ریسک عملیاتی - کارایی تکنیکی بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. همچنین ضریب متغیر CRISIS2 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- فشار مالی، مقدار متغیر ریسک عملیاتی - کارایی تکنیکی بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. لذا این ادعا که بین بحرانهای مالی ریسک عملیاتی - کارایی تکنیکی بانکها ارتباط معنی داری وجود دارد ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.



تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک عملیاتی-کارایی بهای تمام شده

جدول (۱۳). نتایج حاصل از آزمون تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک عملیاتی-کارایی بهای تمام شده

نتیجه گیری		مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
$OPERATION2_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LOANGRTH_{it} + \beta_{10} DEPGRTH_{it} + \beta_{11} \Delta NI_{it} + \beta_{12} LOSS_{it} + \varepsilon$					
مقدار ثابت		۰,۲۴۸۹	-۱,۱۶۰۷۸۹	-۰,۴۱۷۴۹۵	
عدم معناداری در مدل		۰,۷۱۴۱	۰,۳۶۷۶۲۰	۰,۱۴۵۴۰۹	MA
عدم معناداری در مدل		۰,۹۰۵۶	-۰,۱۱۸۹۲۵	-۰,۰۱۱۷۲۴	POLITIC1
عدم معناداری در مدل		۰,۰۷۶۵	۱,۷۹۲۶۵۹	۰,۰۰۲۵۲۹	POLITIC2
عدم معناداری در مدل		۰,۳۵۳۷	-۰,۹۳۲۴۶۴	-۰,۰۳۸۴۷۲	CRISIS1
عدم معناداری در مدل		۰,۵۹۲۴	۰,۵۳۷۳۸۷	۰,۰۰۸۱۷۳	CRISIS2
عدم معناداری در مدل		۰,۱۱۳۱	-۱,۶۰۰۸۴۵	-۱,۴۶۶۷۳۳	DEPMARKET
عدم معناداری در مدل		۰,۵۳۷۷	۰,۶۱۸۸۰۷	۰,۰۳۷۵۷۷	AGE
عدم معناداری در مدل		۰,۱۱۷۵	۱,۵۸۱۲۵۲	۰,۰۴۰۲۶۸	SIZE
عدم معناداری در مدل		۰,۶۱۷۴	-۰,۵۰۱۳۹۸	-۰,۰۵۶۰۶۲	LOANGRTH
عدم معناداری در مدل		۰,۲۲۰۲	-۱,۲۳۵۰۵۰	-۰,۱۲۵۱۴۰	DEPGRTH
معنادار در سطح ۹۵ درصد		۰,۰۰۷۳*	-۲,۷۴۶۰۲۶	-۱۵,۱۷۳۴۸	ΔNI
عدم معناداری در مدل		۰,۷۴۶۳	۰,۳۲۴۵۰۷	۰,۰۲۸۳۴۳	LOSS
۱,۸۵۸۶۸۵	آزمون دوربین واتسون		۴,۳۹۸۹۴۷	مقادیر آزمون F	
۰,۰۸۵۶۵۹	مقادیر ضریب تعیین R ²		۰,۰۰۰۰۱۳*	مقادیر P-Value	
۰,۰۷۹۹۳۷	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R ²				
نتیجه کفایت مدل:					با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

ضریب متغیر MA در مدل مثبت می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت ، مقدار متغیر ریسک عملیاتی - کارایی بهای تمام شده بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. ضریب متغیر POLITIC1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- مدیریت سیاسی ، مقدار متغیر ریسک عملیاتی - کارایی بهای تمام شده بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. همچنین ضریب متغیر POLITIC2 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- نفوذ دولتی، مقدار متغیر ریسک عملیاتی - کارایی بهای تمام شده بانکها افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست.



ضریب متغیر CRISIS1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- دوره رکود ، مقدار متغیر ریسک عملیاتی - کارایی بهای تمام شده بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. همچنین ضریب متغیر CRISIS2 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- فشار مالی، مقدار متغیر ریسک عملیاتی - کارایی بهای تمام شده بانکها نیز افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. لذا این ادعا که بین بحرانهای مالی ریسک عملیاتی - کارایی بهای تمام شده بانکها ارتباط معنی داری وجود دارد ، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.



تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک ورشکستگی-عدم بازپرداخت بدهی

جدول (۱۴). نتایج حاصل از آزمون تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک ورشکستگی-عدم بازپرداخت بدهی

$INSOLVENCY1_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LOANGRTH_{it} + \beta_{10} DEPGRTH_{it} + \beta_{11} \Delta NI_{it} + \beta_{12} LOSS_{it} + \varepsilon$		مدل		
نتیجه گیری	مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
عدم معناداری در مدل	۰,۳۱۵۶	-۱,۰۰۹۴۲۳	-۱۵,۵۵۳۰۰	مقدار ثابت
عدم معناداری در مدل	۰,۰۷۷۷	-۱,۷۸۵۶۴۴	-۲۵,۹۱۲۵۳	MA
عدم معناداری در مدل	۰,۱۸۰۸	-۱,۳۴۹۲۵۱	-۴,۸۷۹۹۲۸	POLITIC1
عدم معناداری در مدل	۰,۴۵۶۱	۰,۷۴۸۷۰۴	۰,۳۸۷۵۸	POLITIC2
معنادار در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۰۰۷*	-۳,۵۱۲۹۳۹	-۵,۳۱۷۴۹۰	CRISIS1
عدم معناداری در مدل	۰,۶۴۰۳	-۰,۴۶۱۹۴۱	-۰,۲۶۱۶۵۶	CRISIS2
عدم معناداری در مدل	۰,۳۸۷۶	-۰,۸۶۸۳۱۳	-۲۹,۱۸۷۸۲	DEPMARKET
عدم معناداری در مدل	۰,۶۸۰۱	-۰,۴۱۳۸۰۰	-۰,۹۲۱۸۹۱	AGE
معنادار در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۲۰۵*	۲,۳۶۱۱۵۰	۲,۲۰۶۰۱۰	SIZE
عدم معناداری در مدل	۰,۵۷۷۴	۰,۵۵۹۲۹۸	۲,۲۹۴۳۳۴	LOANGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۶۴۱۲	۰,۴۶۷۶۲۲	۱,۷۳۸۳۲۰	DEPGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۷۵۵۳	-۰,۳۱۲۶۶۹	-۶۳,۳۸۵۴۴	ΔNI
عدم معناداری در مدل	۰,۸۳۷۲	۰,۲۰۶۰۸۷	۰,۶۶۰۳۸۸	LOSS
۱,۷۷۴۷۰۰	آزمون دوربین واتسون	۲,۰۲۵۸۳۷	F مقادیر آزمون	
۰,۱۲۰۳۷۹	مقادیر ضریب تعیین R^2	۰,۰۳۱۲۰۴*	P-Value مقادیر	
۰,۱۱۱۵۹۵	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R^2			
نتیجه کفایت مدل:				با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

ضریب متغیر MA در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت ، مقدار متغیر ریسک ورشکستگی - عدم بازپرداخت بدهی بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. لذا این ادعا که توانایی مدیریت بر ریسک ورشکستگی - عدم بازپرداخت بدهی بانکها تاثیر معنی داری دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.



ضریب متغیر POLITIC1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- مدیریت سیاسی ، مقدار متغیر ریسک ورشکستگی - عدم بازپرداخت بدهی بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. همچنین ضریب متغیر POLITIC2 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- نفوذ دولتی، مقدار متغیر ریسک ورشکستگی - عدم بازپرداخت بدهی بانکها افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست.

لذا این ادعا که بین روابط سیاسی و ریسک ورشکستگی - عدم بازپرداخت بدهی بانکها ارتباط معنی داری وجود دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

ضریب متغیر CRISIS1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- دوره رکود ، مقدار متغیر ریسک ورشکستگی - عدم بازپرداخت بدهی بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. همچنین ضریب متغیر CRISIS2 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- فشار مالی، مقدار متغیر ریسک ورشکستگی - عدم بازپرداخت بدهی بانکها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست



تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک ورشکستگی-نوسانات عملکرد

جدول (۱۵). نتایج حاصل از آزمون تاثیر توانایی مدیریت، روابط سیاسی و بحرانهای مالی بر ریسک ورشکستگی-نوسانات عملکرد

$INSOLVENCY2_{it} = \beta + \beta_1 MA_{it} + \beta_2 POLITIC1_{it} + \beta_3 POLITIC2_{it} + \beta_4 CRISIS1_{it} + \beta_5 CRISIS2_{it} + \beta_6 DEPMARKET_{it} + \beta_7 AGE_{it} + \beta_8 SIZE_{it} + \beta_9 LOANGRTH_{it} + \beta_{10} DEPGRTH_{it} + \beta_{11} \Delta NI_{it} + \beta_{12} LOSS_{it} + \varepsilon$		مدل		
نتیجه گیری	مقادیر P-Value	مقادیر آماره t	ضرایب متغیر در مدل	متغیرهای توضیحی
عدم معناداری در مدل	۰,۵۱۱۴	-۰,۶۵۹۳۵۴	-۳,۳۸۳۶۱۳	مقدار ثابت
عدم معناداری در مدل	۰,۴۹۸۲	-۰,۶۸۰۲۸۴	-۳,۲۸۷۹۵۸	MA
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۰۷۰*	-۲,۷۶۱۲۲۹	-۳,۳۲۶۱۷۱	POLITIC1
عدم معناداری در مدل	۰,۲۱۳۴	۱,۲۵۳۶۹۰	۰,۰۲۱۶۱۵	POLITIC2
معنادار در مدل در سطح ۹۵ درصد	۰,۰۰۰۳*	-۳,۸۶۹۸۱۴	-۱,۹۵۰۹۵۶	CRISIS1
عدم معناداری در مدل	۰,۷۴۶۵	-۰,۳۲۴۲۸۴	-۰,۰۶۰۲۶۴	CRISIS2
عدم معناداری در مدل	۰,۳۵۳۳	-۰,۹۳۳۱۶۴	-۱۰,۴۴۷۳۲	DEPMARKET
عدم معناداری در مدل	۰,۶۲۹۵	۰,۴۸۴۱۲۷	۰,۳۵۹۲۲۷	AGE
عدم معناداری در مدل	۰,۱۴۰۷	۱,۴۸۶۹۲۴	۰,۴۶۲۶۹۴	SIZE
عدم معناداری در مدل	۰,۶۶۴۷	-۰,۴۳۴۹۶۱	-۰,۵۹۴۲۷۱	LOANGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۴۶۸۹	۰,۷۲۷۴۷۳	۰,۹۰۰۶۸۵	DEPGRTH
عدم معناداری در مدل	۰,۰۸۵۰	۱,۷۴۲۵۹۸	۱۱۷,۶۵۸۴	ΔNI
عدم معناداری در مدل	۰,۱۷۸۳	۱,۳۵۷۱۱۶	۱,۴۴۸۳۹۵	LOSS
۲,۱۵۷۹۳۳	آزمون دوربین واتسون		۳,۳۸۳۵۱۵	مقادیر آزمون F
۰,۱۲۰۷۰۷	مقادیر ضریب تعیین R ²		۰,۰۰۰۴۵۱*	P-Value
۰,۱۱۵۹۲۲	مقادیر ضریب تعیین تعدیل شده R ²			
نتیجه کفایت مدل: با توجه به مقادیر آزمون F و مقدار P-Value که کمتر از ۵ درصد است مدل معنادار است.				

*معنادار در سطح ۹۵ درصد

ضریب متغیر MA یعنی β_1 استفاده می شود. نتایج آزمون رگرسیون بیانگر این است که ضریب متغیر MA در مدل منفی می باشد یعنی با افزایش توانایی مدیریت، مقدار متغیر ریسک ورشکستگی -نوسانات عملکرد بانک ها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست. لذا این ادعا که توانایی مدیریت بر ریسک ورشکستگی -نوسانات عملکرد بانک ها تاثیر معنی داری دارد، در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می شود.

ضریب متغیر POLITIC1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- مدیریت سیاسی، مقدار متغیر ریسک ورشکستگی - نوسانات عملکرد بانک ها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. همچنین ضریب متغیر POLITIC2 در مدل مثبت می باشد به عبارتی با افزایش روابط سیاسی- نفوذ دولتی، مقدار متغیر ریسک ورشکستگی - نوسانات عملکرد بانک ها افزایش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست.

ضریب متغیر CRISIS1 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- دوره رکود، مقدار متغیر ریسک ورشکستگی - نوسانات عملکرد بانک ها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. همچنین ضریب متغیر CRISIS2 در مدل منفی می باشد به عبارتی با افزایش بحران مالی- فشار مالی، مقدار متغیر ریسک ورشکستگی - نوسانات عملکرد بانک ها کاهش می یابد و بالعکس. این ارتباط از لحاظ آماری به قدری ضعیف است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست.

-۵-

۵. نتیجه گیری:

شناسایی عوامل موثر بر عملکرد، ریسک و قیمت بانکها هم از منظر سهامداران و سپرده‌گذاران و هم از دید عناصر فعال در بازار حائز اهمیت است. باتوجه به اینکه بازار مالی شامل دو رکن اصلی بازار پول و بازار سرمایه است، مهم‌ترین وظیفه بازار سرمایه، جذب سرمایه‌های پراکنده و تخصیص بهینه آن به واحدهایی است که هم در راستای توسعه اقتصادی و هم حفظ منافع مورد انتظار سرمایه‌گذاران حرکت می‌کنند لذا بانکها به عنوان موتور تامین منابع مالی اقتصاد از اهمیت خاصی هم برای سایر بنگاه های فعال در اقتصاد، هم برای دولت و هم برای خود بانکها برخوردار می باشند. بر این اساس شناسایی عوامل و شاخصهای موثر بر عملکرد و سودآوری، مدیریت ریسک و همچنین تغییرات قیمت سهام آنها هم از لحاظ مدیریتی بانک و هم از دیدگاه کلان اقتصادی می تواند هدایتگر اقتصاد و دولتها باشند. از طرفی نیز باتوجه به اینکه فعالیت اصلی بانکها اعطای تسهیلات و ارائه وام به متقاضیان است، مدیریت صحیح چالشهای بانکداری و بهبود عوامل موثر بر کارایی و اثربخشی منابع بانکی، می تواند چرخه اقتصادی را در مسیری درست به حرکت بیاورد. بر همین اساس نیز پژوهشگر به ارزیابی تاثیر توانایی مدیریت بر مدیریت ریسک بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران: روش ترکیبی تحلیل پوششی داده ها و تخمین رگرسیون SLS2 پرداخته است.

نتایج نشان می دهد که بحرانهای مالی باعث تشدید ریسک نقدینگی در بانکداری (افزایش نسبت خالص وام به کل دارایی) می گردد، این مسئله تبعا قابل انتظار است زیرا هنگام افزایش بحران مالی، منابع بانکها کاهش یافته، تمایل به اعطای تسهیلات (وامها) در بانکها افزایش می یابد و امکان دریافت درآمدهای بیشتر از منابع محدود نیز تعدیل می گردد. افزایش اعطای وام (برای جبران محدودیتهایی که بحران مالی ایجاد نموده) نسبت به کل دارایی ها ریسک نقدینگی بانک و احتمال موجه شدن بانک با کمبودهای نقدینگی را افزایش می دهد. در واقع بحرانهای مالی از طریق سوق دادن مدیران به برای مقابله با خود بحران، احتمال وجود ریسک نقدینگی را در بانک افزایش می دهد. از طرفی نیز دوره های بحران هالی مالی بخودی خود کمبودهای نقدینگی را بدنبال دارد و یکی از دغدغه های اصلی بانکها همواره تامین منابع مورد نیاز برای بانکداری خود است.

بحرانهای مالی ریسکهای اعتباری تاثیرگذار بوده و این ریسک را بصورت معنی داری تغییر می دهد. این نتایج ناشی از عوامل زیر است. اولاً بحرانهای مالی به عنوان مسیر اصلی حرکت اقتصاد از طرف بانکها ارزیابی شده و تبعا مسیر رونق دارای ریسک های کمتر و مسیر رکود دارای ریسک بیشتری است. بانکها باتوجه به شرایط اقتصادی که در آن حضور دارند. فرایندهای مدیریت ریسک اعتباری را اجرایی نموده تا بتوانند به بهترین حالت ریسکهای مختلف بانکی را شناسایی و تعدیل نمایند. ثانياً یکی از عوامل اصلی ایجاد کننده دوره های



رکود و رونق (بحرانهای مالی) تحریم های بین المللی و بانکی بوده که خود عاملی برای ایجاد ریسکهای اعتباری بانکی هستند. این تحریمها با محدود کردن فعالیتهای بانکهای ایران و یا هزینه بر نمودن تبادلات بانکی باعث شده اند که ریسکهای اعتباری را بانکها افزایش یابد در نتیجه باتوجه به اینکه یکی از منشاءهای ایجاد بحرانهای مالی و ریسکهای بانکی یکسان است، تبعات بحران مالی بر ریسکهای اعتباری بانکها قابل تبیین است. ثانيا بحرانهای مالی باعث ایجاد اقداماتی از طرف بانکها برای مقابله با بحران می گردد که این اقدامات عمدتا بر حوزه کاهش ریسکهای اعتباری بانکی تمرکز دارد، باتوجه به اینکه همواره بحران در صنعت بانکداری باعث ایجاد ریسکهای اعتباری مختلف می گردد، تلاش بانکها برای کاهش ریسکهای اعتباری بانکی در دوران بحرانهای مالی بیشتر از دورانهای غیر بحران است و تبعات بانکها مدیریت ریسک اعتباری را در دوران بحران مالی بیشتر مورد توجه قرار می دهند. رابعا تاثیرگذاری بحران مالی بر ریسک اعتباری ناشی از وضعیت مشتریان بانکها نیز می باشد، باتوجه به اینکه بحران مالی بر وضعیت مالی مشتریان و تسهیلات گیرندگان نیز تاثیرگذار است، تبعات تشدید این فشارها باعث ایجاد منشاءهای جدید ریسک اعتباری برای بانکها می گردد

نتایج نشان می دهد که بحرانهای مالی بر ریسکهای عملیاتی اثرات معنی داری ندارد. این نتیجه قابل پیش بینی است زیرا در واقع منشا اصلی ریسک عملیاتی فرآیندهای داخلی و عملیاتی خود بانکها هستند و در صورتی که ریسک عملیاتی به عنوان یکی از فرآیندهای مدیریت ریسک از طرف بانک اتخاذ گردند، وجود بحرانهای مالی در سطح کلان اقتصادی نباید باعث شود برنامه ریزیهای مدیریت ریسک عملیاتی دچار نوسان گردد. از طرفی نیز ریسکهای عملیاتی بیشتر ناشی از شناسایی فرآیندها، تعیین نقاط ریسک خیز بانک، باز تعریف و باز طراحی شیوه کار بانک با مشتریان و ... بوده که این فرایند حتی در مواجهه با بحران مالی و یا فشار مالی درونی بانک نیز می تواند بخوبی کار کند، البته اگر مدیریت ریسک عملیاتی بطور کامل، با همه جزئیات و منطبق با پیشرفته ترین یافته های علمی طراحی شده باشد.

نتایج نشان دهنده اثرات معنی دار بحرانهای مالی بر ریسک های ورشکستگی بانکها است. این نتیجه نیز قابل انتظار است و افزایش بحرانهای مالی از طریق دو عامل بر ریسکهای ورشکستگی اثرگذار است. اولاً ظرفیت جذب سپرده در دوران بحرانهای مالی کاهش می یابد و ظرفیت وامگیری تسهیلات گیرندگان نیز در این دوران تبعات کاهش می یابد و باتوجه به اثراتی که بحرانهای مالی بر ریسک اعتباری می گذارد، احتمال بازگشت تسهیلات اعطایی کمتر است. همچنین هزینه تامین منابع از سپرده ها در دوران بحرانهای مالی افزایش یافته و این مسئله باعث کاهش حاشیه سود بانکی در دوران بحران مالی می گردد. نتایج همراستا با تحقیق سالما لواتی و همکاران (۲۰۱۶) می باشد

با توجه به نتایج حاصل شده و طی انجام تحقیق، پیشنهادهای زیر به مدیران از یک طرف و مالکان از طرف دیگر جهت بکارگیری در فرایند های تصمیم گیریشان ارائه می گردد:

۱. سهامداران، سرمایه گذاران و سپرده گذاران بانکها توصیه می گردد که توانایی مدیریت را صرفا برای ارزیابی ریسک نقدینگی می توانند در مدلهای تصمیم خود مورد استفاده قرار دهند. نتایج نشان دهنده این مسئله بوده که توانایی مدیریت صرفا بر ریسک نقدینگی تاثیرگذاری معنی داری دارد. لذا سهامداران، سرمایه گذاران و سپرده گذاران هنگام ارزیابی مدیریت ریسک (شامل ریسکهای اعتباری، عملیاتی و ورشکستگی) وزن قابل توجهی به توانایی مدیریت اختصاص ندهند و تلاش نمایند از طریق الگوهای رایج مدیریت ریسک به شناسایی و ارزیابی ریسکهای اعتباری، عملیاتی و ورشکستگی بانکها بپردازند.



۲. سهامداران، سرمایه گذاران و سپرده گذاران بانکها توصیه می گردد که روابط سیاسی را صرفا برای ارزیابی ریسک نقدینگی و ورشکستگی می توانند در مدل‌های تصمیم خود مورد استفاده قرار دهند. نتایج نشان‌دهنده این مسئله بوده که روابط سیاسی صرفا بر ریسک نقدینگی و ورشکستگی تاثیرگذاری معنی داری دارد. لذا سهامداران، سرمایه گذاران و سپرده‌گذاران هنگام ارزیابی مدیریت ریسک (شامل ریسکهای اعتباری و عملیاتی) وزن قابل توجهی به روابط سیاسی اختصاص ندهند و تلاش نمایند از طریق الگوهای رایج مدیریت ریسک به شناسایی و ارزیابی ریسکهای اعتباری و عملیاتی بانکها بپردازند.

۳. توصیه می گردد که بحرانهای را برای ارزیابی ریسکهای اعتباری، نقدینگی و ورشکستگی استفاده نموده و در مدل‌های تصمیم خود قرار دهند. نتایج نشان‌دهنده این مسئله بوده که بحرانهای مالی بر ریسکهای اعتباری، نقدینگی و ورشکستگی تاثیرگذاری معنی داری دارد و توانایی تبیین‌کنندگی مناسبی برای مدیریت ریسک بانکها دارد. از طرفی نیز به سهامداران، سرمایه گذاران و سپرده‌گذاران توصیه هنگام ارزیابی مدیریت ریسک عملیاتی وزن قابل توجهی به روابط سیاسی اختصاص ندهند و تلاش نمایند از طریق الگوهای رایج مدیریت ریسک عملیاتی به شناسایی و ارزیابی ریسکهای عملیاتی بانکها بپردازند.



منابع

۱. ابراهیمی کردلر، علی و شهریاری، علیرضا. (۱۳۹۴)، "بررسی رابطه بین هزینه‌های سیاسی و محافظه کاری (فرضیه سیاسی) در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال بیست و دوم، شماره ۲ (پیاپی ۸۰)، تابستان، صص ۳-۱۶.
۲. احمدی، علی؛ احمدی-جشفقانی، حسین-علی و اصغر، ابوالحسنی-هستیانی. (۱۳۹۵)، "تأثیر ریسک اعتباری بر عملکرد نظام بانکی ایران: مطالعه بین بانکی با رویکرد PANEL VAR"، فصلنامه اقتصاد مالی، دوره ۱۰، شماره ۳۴، بهار، صص ۱۳۱-۱۵۲.
۳. حسینی مقدم، سیدمحمدرضا و حجازی، سیدرضا. (۱۳۹۲)، "تأثیر گرایش کارآفرینانه بر عملکرد بانکها با متغیر میانجی بازارگرایی"، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۲۴)، تابستان، ۲۱۱-۲۲۹.
۴. خردمند، علی؛ پژوهی، محمدرضا و فاطمه، ضیاء الدینی دشت خاکی. (۱۳۹۶)، "بررسی تاثیر توانایی مدیریتی و کیفیت سود بر ریسک ریزش قیمت سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، اولین کنفرانس ملی مطالعات نوین مدیریت در ایران، کرج، موسسه آموزش عالی علامه خویی و موسسه آموزش عالی معراج.
۵. شاهچرا، مهشید و طاهری، ماندانا. (۱۳۹۵)، "ساز و کار انتقال سیاست پولی بر وام‌دهی بانکها از طریق اقلام زیرخط ترانزنامه"، فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی، سال بیست و چهارم، شماره ۷۸، تابستان، صص ۵۴-۷۸.
۶. عزتی، مرتضی؛ عاقلی، لطفعلی و نفیسه، کشاووز ساجی. (۱۳۹۵)، "عوامل موثر بر سودآوری بانکهای اسلامی (کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی)"، فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره پانزدهم، تابستان، صص ۱۵۳-۱۳۹.
۷. علی نژاد ساروکلای، مهدی و ترفی، ستاره. (۱۳۹۶)، "تأثیر توانایی مدیریت بر سیاست تأمین مالی"، مجله دانش حسابداری، دوره ۸، شماره ۲ (پیاپی ۲۹)، تابستان، صص ۱۵۹-۱۸۰.
۸. فرهنگ، امیرعلی؛ ابوالقاسم آنتی عشری؛ اصغر ابوالحسنی؛ محمدرضا رنجبر فلاح و جهانگیر بیابانی. (۱۳۹۵)، "درآمد غیربهره‌ای، ریسک و سودآوری در صنعت بانکداری"، مدلسازی اقتصادی، دوره ۱۰، شماره ۳۵، پاییز، صفحه ۴۷-۷۰.
۹. لاری دشت بیاض، محمود؛ ابراهیمی، مجتبی و فهیمه، بالیده. (۱۳۹۶)، "بررسی رابطه افشا حسابداری، همزمانی قیمت سهام و ریسک سقوط سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، ماهنامه پژوهشهای مدیریت و حسابداری، شماره سی و شش، خرداد، صص ۱۱۹-۱۳۷.
۱۰. مهرآرا، محسن، مهران فر، مهدی، بهار ۱۳۹۲، "عملکرد بانکی و عوامل کلان اقتصادی در مدیریت ریسک"، فصلنامه مدلسازی اقتصادی، سال ۷، شماره ۱.

11. *Aning Sejati, Y. 2009, Political connections and earnings quality : evidence from Malaysia. phd dissertation, Oklahoma state university*
12. *Boubakri, N.; Cosset, J. C.; and W. Saffar (2008). "Political Connections of Newly Privatized Firms.", Journal of Corporate Finance, Vol. 14, pp. 654-673.*
13. *Boubakri, Narjess, Omrane Guedhami Dev Mishra, Walid Saffar, (2012), "Political connections and the cost of equity capital." Journal of Corporate Finance journal homepage: www.elsevier.com/locate/jcorpfin.*
14. *Boubakri. N , Claude. J, Saffar. W, (2012), "The impact of political connections on firms operating performance and financing decisions" , The Journal of Financial Research • Vol. 16, No. 3 PP 397-۴۲۳*
15. *Chen. Chling. (2009). Bank Efficiency in Sub-Saharan Africa Middle -Income Countries IMF Working Paper, WP/09/14.*



۱۶. Freixas, Xavier/ Rochet, Jean-Charles, spring 2014, "Microeconomics of Banking, Monetary and Banking Research Institute, Central Bank of the Islamic Republic of Iran
۱۷. Lina N, and I, Petraitytė. (2014), "Assessment of banks asset and liability management: problems and perspectives (case of Lithuania)", *Contemporary Issues in Business, Management and Education, Procedia - Social and Behavioral Sciences 110* (2014), pp 1082 – 1093.
۱۸. Vaidyanathan, R. (1999), "Asset-liability management: Issues and trends in Indian context", *Asci Journal of Management, No.29. 39-48, 1999*

پی نوشت:

^۱ Freixas, Charles Rochet

^۲ Rajans & Zingals

^۳ Chaeboles

^۴ Fisman

^۵ Boubakri

^۶ Chiu & Joh

^۷ Cull&Xu

^۸ Dinc

^۹ Khwaja & Miqn

^{۱۰} Odesanmi, S. & Wolfe, S.

^{۱۱} Li, L. & Zhang, Y

^{۱۲} Fixed Effects

^{۱۳} Random Effects

^{۱۴} Hausman